

جغرافی نو

قالیف

محمد حسین طباطبائی

حق چاپ محفوظ

ناشر :

کتابخانه ملی

۱۳۱۶

فصل اول - انسان

۱- پیدایش انسان

جغرافیای انسانی - بخشی از علم جغرافی است که راجع بر وابط انسان با زمین گفتگو می‌کند. مباحثی که در این شعبه از جغرافیا مورد مطالعه قرار می‌گیرد بیشتر مربوط به آن قسمت از عوامل جغرافیائی است که در وجود انسان و موجبات ترقی او تأثیر داشته و روشنی که انسان برای زندگانی خود در روی زمین اختیار می‌کند و بالاخره اثری که در صورت شهرنشینی هیتواند در محیط زندگانی خود اعمال کند.

بنا بر این مباحث جغرافیای انسانی عموماً در پیرامون موضوع انسان دور میزند، حال باید دانست که این عامل اصلی کیست؟ انسانی که امروز شماره افراد آن از دو بیلیون تجاوز کرده و بر سراسر عرصه خاک فرمانروائی دارد در ابتدا نوعی از موجودات زنده بوده که در گوشاهی از این کره پهناور در میان حیوانات تنوعمند و نیرومند پدید آید.

آیا در آغاز امر یک تن بود، یا چند تن؟ و در یکجا یا چند جا ظهور کرده؟ و در چه زمانی بوجود آمده؟ اینها یرسش هائی است که نمیتوان بدانها پاسخ قطعی داد. همینقدر از روی مباحث انسان شناسی و زمین شناسی باینها پی برده‌اند که در عصر چهارم معرفة الارضی

انسان در روی زمین وجود داشته و آثار هر بوط به او را در فسیلهای
هر بوط بدان زمان یافته اند.

در اینکه جایگاه و بنگاه اصلی او کدام يك از قطعه های پنجه‌گانه
بوده هنوز اختلاف نظر در میان دانشمندان باقی است تنها فرضی که
ازین میانه قابل قبول است این يك میباشد:

آسیا بیشتر از قطعه های دیگر برای پیدایش انسان مناسب بود
و قرائناً موجود حاکی است که آثار موطن اصلی بودن انسان اول،
در آن بیشتر دیده میشود.

پیدایش انسان نسبت بدوده ای که ما آنرا عصر تاریخی نام داده‌ایم
و در بارهٔ حوادث آن نوشته‌ها در دست داریم از حوادث دیرینه‌تر بشمار
میروند زیرا عصر تاریخی‌ها از هفت هزار سال بیشتر نیست در صورتیکه
نقریباً از یانصد هزار سال پیش بدین طرف چنان‌گاه دلائل معرفة الارضی
گواهی میدهد انسان در روی زمین وجود داشته است با وجود این نمیتوان
نسبت بمحودات زنده دیگر روی زمین او را وجود قدیمی دانست زیرا
در عصر سوم معرفة الارضی غالب انواع حیوان و نبات کنونی نقریباً
با همین صورت حاضر خود وجود داشته اند ولی در ضمن فسیلهای
آن عصر اثری از انسان دیده نمی شود ترتیب گذارش عصرها قبل تاریخی
انسان نتیجهٔ کنجه‌گاری و تحقیقات معرفة الارضی است و از روی آثاری
که از انسان بدست آمده زنده‌گی ماقبل تاریخی اورا بچند عصر تقسیم
کرده اند: عصر حجر قدیم - عصر حجر میانه - عصر حجر جدید -
عصر فلز.

۲- آثار ما قبل تاریخی

آنادی که از زندگانی دوره ما قبل تاریخی انسان بدست آمده عبارت است از بقایای استخوانهای جمجمه و اعضاً دیگر بدن او که درون طبقات رسوبی زمین باقی مانده و اکنون اصل آنها نا بود شده ولی کالبد سنگینی که نشانه و نمونه آن اصل است باقی مانده و در اثر گنجکاوی بدست آمده است، در چاههای معدن ذغال سنگ و تولهایی که برای ساختن راه آهن ساخته اند بیشتر باین آثار برخورده‌اند.

این آثار عضوی انسان متدرج در مغرب اروپا و مشرق آسیا و جنوب افریقا و جنوب شرقی آسیا کشف شده و از روی آنها دانشمندان انسان شناس نژادهای ما قبل تاریخی را طبقه بندهی کردند ولی پس از آنکه در سراسر آسیا و افریقا و امریکا تحقیقات کامل شد نتیجه اساسی این بحث ظاهر خواهد شد.

۲- آثار دیگری که از او کشف شده آلات و ابزاری است که از سنگ می‌ساخته و برای شکار حیوانات و دفاع خود بکار می‌برده است این آثار را از روی جنس سنگ و کیفیت بکار بودن آن بچند طبقه تقسیم کرده و مبنای طبقه بندهی دوره ما قبل تاریخ قرار داده اند زیرا در عصر اول سنگهای طبیعی برنده را بی آنکه تراش و صیقل بددهد بکار می‌برد بعدها در اصلاح و نهیه آن بی نهایت کوشید تا آنکه نمونه‌های کاملی از ابزار سنگی درست گردد.

دبالة این دوره بکشف فلز مس خاتمه یافت زیرا از درون سنگهای معدن مس در اثر مجاورت حرارت مسی بدست آورد که از ترکیب

آن مفرغ را ساخت و بجای سنگ بکار برد.

۳ - آثار دیگری که از انسان‌ها قبل تاریخ بدست آمده عبارت از مساکن اوست که در دامنه کوه‌های پوشالی و در برخی از نقاط بصورت کنار دریاچه‌ها بصورت کلبه‌های پوشالی با نقش حیوانات بناهای سنگی باقی مانده است درون مغاره‌ها غالباً با نقش حیوانات هم‌عصر انسان آن عصر آراسته شده و این خود یک رشته از آثار برجسته دیگر است که از آن استفاده تاریخی می‌برند.

زمین خانه‌های کنار دریاچه‌ها که در زیر آب مستور شده گاهی در اثر خشک سالی از آب بیرون می‌آید و در نتیجه بوضع اینکوئه مساکن اطلاع حاصل می‌کنند.

نمونه بناهای سنگی که شاید نظیر ساختمانهای یادگاری کنونی در آن عصر بوده بصورت‌های مختلف در اروپای غربی باقی مانده و طبیعه حس خود خواهی و علاقه انسان را بیقای اثر خود نشان میدهد. مقبره‌های بحرین خلیج فارس احتمال می‌رود که از مساکن انسان ما قبل تاریخ باشد.

فصل دوم - هیئت اجتماع

۱ - تشکیل اجتماعات

از روزی که انسان نیک و بد و آسانی و دشواری را توانسته بشناسد زندگی تنها برای او کاری سخت و ناگوار بوده است، از این رو افراد انسانی در صدد برآمده به صورت دسته‌های کوچک و بزرگ گردیده‌اند. مجتمع شده و برای رفع احتیاجات هیئت اجتماع را تشکیل بدھند.

کیفیت این اجتماع‌ها تابع مساعدت عوامل جغرافیائی یا نامساعدی آنها بوده است مثلاً در صحراها که آب و گیاه کمیاب است یا آنکه در منطقه استوایی که جنگلهای انبوه زمین را زیر خود مستور داشته عوامل طبیعی برای اجتماعات کوچک مساعد بوده است در صورتیکه منطقه معتدل‌ه چون بکار کشاورزی و صنعتگری بیشتر می‌خورد و انجام این کارها جز بیاری اجتماعات بزرگ می‌سر نمی‌شود، در این منطقه هیئت‌های بزرگ اجتماعی تشکیل شده است از اینجا دانسته شد که عوامل جغرافیائی در کیفیت تشکیل اجتماعات مؤثر است و صورت‌های خانواده و قبیله و ملت و دولت همه نتیجه‌هایی از ترکیب عوامل جغرافیائی است که در زندگانی انسانی تأثیر دارد.

۲ - اقسام زندگانی

انسان در برخی از نقاط عالم می‌تواند بدون کار روزی خود را بدمست آورد. ولی این سود بیرونج برای او سودمند نیست زیرا اورا به تنبیلی و بیکاری و ادار می‌کند در نتیجه چنین آدمی به یک قسم زندگی پست و یکنواخت عادت می‌کند که با بان آن استیلای بیماری‌ها و نابودی او می‌باشد.

این امر بیشتر در نواحی استوایی اتفاق می‌افتد ولی در غرب نواحی عالم زندگانی انسانی نتیجه‌کار و هنر اوست. شبانی که گوسفندان خود را در چراگاه نگاهداری می‌کند، کشاورزی که با بیل و خیش زمین را شیار می‌کند و تخم می‌افشارند هنرمندی که در کارخانه خود ابزار کارهای زندگانی را می‌سازد، همه کار می‌کنند. این کار در ظاهر چنین بنظر

می آید که پرداختن بدان نتیجه درجه استعداد و علاقه هنری شخصی ایشان است زیرا در اجتماعات بزرگ کنونی هر کسی میتواند از پیشه‌ای که دارد بمیل خود دست بردارد و پیشه دیگری را که می پسندد بر گزینند، اما حقیقت اهر چنین نیست عوامل جفرافیائی در آغاز امر صورتها و اقسام مختلف زندگانی را به انسان می آموزد:

آنکه در جنگلهای ابوه زندگی می کند و از عهده اصلاح یا تراشیدن آنها بر نمی آید و آنگاه شکار را در دسترس خود می یابد در پی کار دشوار نمی‌رود و بشکار بی درد سر همپردازد،

کسی که در جلگه‌ها بر روی خاک نرم حاصلخیز و در اقلیم معتدل زندگی می‌کند و آب رودخانه را در دسترس خود می‌یابد بکار زراعت و کشاورزی همپردازد.

کفار دریای آرام که ماهیهای آن نظر آزمودنی آدمی را بسوی خود می‌کشد، ساحل نشینان را بزندگانی دریایی متمایل می‌سازد.

پس از آنکه احتیاجات انسانی روز افزون گشت و برای هر کاری ابزاری مخصوص لازم شد، تبدیل مواد معدنی به ابزار کار اهمیت پیدا کرد و در نتیجه صنعت بوجود آمد.

اگنون موادی که بکار صنعت بخورد در هر جا بدست آید مردمی که در پیرامون آن مکان زندگی می‌کنند همه در پی کار صنعت می‌روند،

در هر ناحیه‌ای یکی از این وسائل زندگانی قوت گیرد کسانی که بکارهای دیگر پرداخته‌اند طبعاً در پی این‌کار سودمند تر می‌روند و در نتیجه انواع دیگر زندگانی در آن ناحیه از رونق می‌افتد.

۳ - تهدن و درجات آن

هر یک از صور تهای زندگانی که ذکر کردیم بتشکیل هیئت اجتماع کمل می کند ولی هفتادی هر نوعی از زندگانی یک قسم اجتماعی است. در آنجا که زندگانی بوسیله شکار و ها هیگیری میگذرد و یک دام ساده با تیر و کمانی برای انجام کار کفایت می کند زندگانی مردم ساده و بی پیرایه میگذرد و یک اجتماع کوچک برای رفع هر گونه احتیاجی کافی است، ولی در آنجا که زندگانی زراعتی و با صنعتی رونق بافته احتیاجات مردم بیشتر است و برای انجام کارها و رفع حوايج عده زیاد تری باید در پیرامون یکدیگر گرد آیند و در نتیجه اجتماع بزرگی با صدها پیرایه و ملحقات بوجود می آید. پس بدین گونه دو صورت مهم از زندگانی اجتماعی برای انسان بدبند می آید: زندگانی وحشیگری - زندگانی مدنی، زندگانی وحشیانه قدیمترین صورت زندگانی نوع بشر است وهمه مردمی که امروز در روی زمین وارد مرحله دوم زندگانی اجتماعی (تمدن) شده اند نیاکان ایشان نخست از این مرحله گذشته و سپس بمرحله دیگر رسیده اند. هنوز نمونه های مختلف از زندگی وحشیانه در میان استرالیا و مرکز افریقا و اراضی شمالی عالم قدیم و جدید دیده می شود. سیاهان استرالیائی هنوز گوئی در عصر حجر قدیم و میانه زندگی می کنند. در صورتیکه سیاهان افریقائی در عصر حجر جدید و آغاز عصر فلز میباشند.

زندگانی مدنی یا تمدن، مرحله دوم زندگانی اجتماعی انسان است و مرحله بس طولانی و دارای درجه اختلاف میباشد. اگر هلت های

تمدن همین عصر را بایکدیگر مقایسه کنیم معلوم میشود که همکمان از حيث تمدن در يك درجه نیستند و بدین نظر هیتوان مرحله تمدن را نیز به درجه تقسیم کرد. تمدن شبانی - تمدن کشاورزی - تمدن صنعتی -

۱ - تمدن شبانی - در استپ های خشک و صحراء های کم آب و دشت های مرتفع و فلات هایی که از هرسو آرا رشته کوهستان مرتفع محصور ساخته مردم بکار شبانی مبادر داشتند و با اختلاف موقع فصول تغییر مکان میدهند. اسلوب زندگانی ایشان همچون حد فاصلی میان تمدن زراعتی و زندگانی وحشیانه میباشد.

زرد پوستان آسیای مرکزی و شمالی و بدویان افریقا دارای تمدن شبانی هستند.

۲ - تمدن کشاورزی (زراعتی) در پی زندگانی شبانی فرا میرسد در آنجا که خاک حاصلخیز و آب فراوان و هوا معتدل یا گرم باشد مردم بدین شیوه زندگانی میگرایند.

در جلگه های جنوبی و شرقی آسیا تمدن کشاورزی در میان مردم هند و چین و هند و چین اساس زندگانی اجتماعی را تشکیل میدهد.

۳ - تمدن صنعتی در منطقه معتدله در سرزمین هایی که سنگ معدن بخصوص ذغال سنگ و آهن وجود دارد ترقی پیدا کرده و متدرجأ زندگانی کشاورزی و زندگانی شبانی را در پناه خود گرفته بلکه بدانها نیز جنبه صنعتی داده است.

اینگونه شیوه زندگانی در اروپا و برخی از نقاط آسیا و شمال امریکا امروز سبب پیشرفت ملت های بزرگ و نامور عالم شده است.

فصل سوم - جماعت روی زمین

۱- جمعت

جمعیت روی زمین روز افزون است و در هرسالی تقریباً از ۱۸ تا ۲۴ میلیون برآن افزوده میشود.

بدست آوردن احصائیه دقیقی از مقدار تقریبی سکنه روی زمین امروز بسی آسانتر از پنجماه سال پیش است.

زیرا غالب ممالک عالم دارای احصائیه های منظمی هستند که از روی آنها در پایان هر سالی افزایش و کاهش جمعیت خود را با دقت مخصوصی ضبط می کنند و هر سال جامعه ملل که یک مؤسسه بزرگ مربوط بجهانیان است نتیجه احصائیه های ممالک را جمع آوری کرده و منتشر می‌سازد.

در سال ۱۳۱۴ شمسی جمعیت روی زمین به ۰۰۵۰۰ ر. ۶۸۳۰۰ ر. ۲ و در پایان سال ۱۳۱۵ چنانکه از مقایسه سال های پیش استنباط میگردد شماره ساکنان زمین به ۰۰۰ ر. ۹۰۰ ر. ۲ نفر هیرسیده است و از این قرار هیتوانیم دقیقاً در آغاز نیمه دوم سال ۱۳۱۵ جمعیت روی زمین را بدو بیلیون و صد هزار نفر تخمین بزنیم.

این جمعیت در همه نقاط روی زمین بیک نواخت پر ا کنده نشده و در برخی نواحی که آب و هوا و زمین برای زندگانی جمعیت فراوان استعداد دارد، بیشتر جمعیت نقاطی که از اظر طبیعی برای زندگانی مساعد نست کمتر است.

مثلا در شمال سیبری و قسمت های مرتفع فلاتهای مرکزی

آسیا بیابان عربستان و صحرای کبیر افریقا جمعیت کم میباشد و در دهانه رودخانه‌های هوانگ و یانگتکسه کیانک و گانج واروپای غربی و دهانه رود نیل جمعیت بسیار و روز افزون است.

جمعیت نسبی؛

این اختلاف توزیع جمعیت در روی زمین عمومیت دارد و منحصر بمناطق و اقالیم نیست بلکه در داخل یک منطقه و حتی درون یک قطعه کوچک نظر باختلاف عوامل طبیعی شماره سکنه بیک نسبت پراکنده نشده و در برخی از نقاط افزونتر از نواحی دیگر است. بدین نظر همیشه شماره مردمی را که در یک سرزمین زندگی می‌کنند بر شماره واحد مساحت آن سرزمین تقسیم کرده و خارج قسمت را جمعیت نسبی آنجا میگویند.

مثلًا قسمت خشکی روی زمین تقریباً ۱۳۳ میلیون کیلومتر و جمعیت تقریبی آن باندازه ۱۰۰۰۰۰ میلیون میباشد بنابراین جمعیت نسبی روی زمین در هر کیلومتری از ۱۵ تا ۱۶ نفر است.

یعنی در هر کیلومتر مربعی پانزده یا شانزده تن زندگی می‌کنند. اکنون جمعیت پنج قطعه را در سالهای ۱۹۳۲ (۱۳۱۲) و ۱۹۳۴ (۱۳۱۴) مساحت هر یک از آنها در ضمن این فهرست برای استفاده داشت (صفحه ۹۹ رجوع کنید) آموزان نقل میکنیم:

جمعیت نسبی در هر کیلومتر مربع	قطعه، زمین	مساحت بالکیلومتر مربع	جمعیت در آغاز ۱۳۹۱	جمعیت در سال ۱۳۹۰	جمعیت در سال ۱۳۹۱
۵۴	آزاد	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۷۷۱۵	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۷۷۱۵	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۷۷۱۵	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۷۷۱۵
۲۸	آسما با جز ایر	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶۲۴۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶۲۴۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶۲۴۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶۲۴۱
۰	جنوب شرقی	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۱۳۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۱۳۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۱۳۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۱۳۱
۶	افریقا	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۴۹۹۲	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۴۹۹۲	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۴۹۹۲	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۴۹۹۲
۱	امريكا	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۸۵۶۴	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۸۵۶۴	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۸۵۶۴	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۸۵۶۴
۱۵	آقianoسیه	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۵۸۸	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۵۸۸	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۵۸۸	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۵۸۸
۱۵	جمع	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۰۵۲۳۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۰۵۲۳۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۰۵۲۳۱	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹۰۵۲۳۱

۲- توزیع جمعیت

چنانکه فهرست صفحه پیش نشان میدهد در همه جای زمین جمعیت بیک نسبت پراکنده نشده و چنانکه از پیش گفته شد این اختلاف مربوط به اختلاف عوامل مؤثر زندگانی است.

از همه مناطق روی زمین منطقه معتدل جمعیت بیشتر دارد و اراضی منطقه هنجد ممتد از همه جای دیگر کمتر سکنه دارد.

نواحی پر جمعیت عالم عبارت است از چین که جمعیت نسبی آن بیش از صد نفر و هندوستان که جمعیت نسبی آن بهشتاد نفر همراه و اروپای مرکزی و غربی که تراکم جمعیت آن نسبت به چین و هند کمتر و ناحیه ساحلی اقیانوس اطلس از انازوی که در درجه چهارم واقع شده ژاپن و مصر و جاوه نیز از نقاط پر جمعیت عالم است. تراکم جمعیت در چین و هند مربوط به پیشرفت کار کشاورزی است در سوریه که افزونی سکنه اروپای غربی و شرقی انازوی نتیجه پیشرفت کار صنعت و تجارت میباشد. در برخی از نواحی چین جمعیت نسبی بهزار نفر بالغ میشود و در نقاط صنعتی انگلستان تا ۸۰۰ نفر همراه و این خود گواهی میدهد که بهر نسبت اهمیت زراعتی و صنعتی در یکجا پیشرفت حاصل گشته مردم بدانجواری آورده و سکونت اختیار میکنند.

نقاط کم جمعیت چنانکه قبل اشاره شد جلگه های شمالی و فلاتهای بلند مرکزی آسیا داخله استرالیا و صحرا ایران و ناحیه جنگلهای آمازون و فلاتهای هرتفع ناحیه روبو و فلات کانادا است. تعیین این نواحی خود گواهی میدهد که بهر اندازه در یک ناحیه

طبیعت نامساعد و عوامل آب و هوا دشوار تر باشد جمعیت کمتر مجتمع
میشود.

به مین نظر می بینیم ترا کم جمعیت در آذربایجان نسبت بکرمان با
نواحی هر کزی ایران بیشتر است، زیرا عوامل طبیعی در آذربایجان میباشد

فصل چهارم - نژاد و زبان

۱- نژاد

بشری که امروز در سراسر روی زمین پراکنده است و اجتماعات
بزرگ و کوچک را تشکیل میدهد، خواه از بیک پدر و مادر وجود آمده
و خواه از چند دیشة مختلف قدیمی نتیجه شده باشد، امروز در میان افراد
آن از حیث قیافه و قد و ترتیب اختلاف شکل و تفاوت واضحی هست.
این اختلاف ظاهری به اندازه‌ای است که بدشواری میتوان گفت
این مردم کوناکون از بیک اصل و دیشهاند.

وجود این اختلاف شکل سبب شده که از روزگار بسیار قدیم همیشه
هر دم هوشیار برای تزدیک ساختن یک دسته بدسته دیگر و تشکیل بیک خانواده
اصلی فرض هائی در پیش خود بتمایند. داستان نوح و سه پسرش : سام
و حام و یافث، که بر وایت یهود اینان پدر همه اقوام روی زمین بوده اند
نتیجه همین هوش طبقه بنده است که در مغز بشر خلجان داشته و دارد
دانشمندان این عصر از روی شبهه قیافه و تزدیکی دیشة زبان و
قرابت افکار او لیه، جمعیت روی زمین را بدسته های چند تقسیم کرده اند
که هر بیک را نژاد میگویند. و انگاه برای هر بیک از این نژاد ها شاخه ها
و دسته ها و تقسیمات کوچکی قائل شده اند که برای آگاهی کامل بجزئیات

آن باید بكتابهای مفصل نژاد شناسی رجوع کرد .
اما در جغرافیای انسانی حتی الامکان از بسیاری شعب آن کاسته
و تنها بذکر شعبه هائی اکتفا میشود که اختلاف نژادی در شیوه زندگانی
و درجه استعداد فطری ایشان اثر محسوس دارد ،
نژاد های مهم چهار است بترتیب نژاد سفید - نژاد زرد - نژاد
سیاه - و نژاد قرمز .

۲ - نژاد سفید

نژاد سفید که بیش از نژاد های دیگر در روی زمین پراکنده شده است
بیش از نهصد ملیون افراد دارد و همه اروپا (تقریباً) و آسیای غربی و جنوبی
و شمال افریقا را فرا گرفته و کوچ نشین های او اکنون همه امریکای
شمالی و جزء اعظم امریکای جنوبی و مرکزی و غالب جزائر آباد اقیانوسیه
و شمال آسیا را مسکن قرار داده اند .

نژاد سفید دو شعبه بزرگ دارد : شاخه آریائی - شاخه سامی ،
شاخه آریائی (۱) شامل ایرانیان ، هندوها ، قفقازیها ، سلت ها ،
يونانیها ، لاتینها ، زرمن ها ، اسلاموها و اسکاندیناوها میشود .
مسکن مخصوص ایشان از شبه جزیره هندوستان تا شبه جزیره
اسکاندیناوی امتداد دارد . در خارج این حوزه ، امریکای شمالی و جنوبی

(۱) این اصطلاح آریائی را در صدۀ هیجدهم میلادی دانشمندان اروپا
از زبان فارسی باستانی گرفتند و برای این قسمت از طبقه بندهی خود بکار
برند در روزگار قدیم تنها مردم کشور ایران آریان میگفتمند و لفظ « ایران »
نیز از همین ریشه گرفته شده است .

و استرالیا و زلاند جدید مسکن جدید مهاجرین آریائی است.

شاخه ساهی شامل عربها، یهودیها، بربراها و مصریها و حبشهیها میباشد.

نژاد سامی در مغرب آسیا و شمال افریقا و سواحل بحر احمر مسکن دارد و در جزائر و سواحل اقیانوس هند کوچ نشین های متعدد تشکیل داده است:

تبصره - برخی از نژاد شناسان همین شاخه را بدو شاخه تقسیم کرده اند. که يك شاخه شامل اعراب و یهود باشد بهمان نام سامی و شاخه دیگر را که مشتمل بر حبشهیان و قبطیان و بربرا های شمال افریقا است به نام حامی میخوانند.

۳ - نژاد زرد

نژاد زرد که بیش از هفتصد میلیون نفر شماره افراد آن است، در آسیای شرقی و مرکزی و جزائر شرقی آسیا مسکن دارد و دسته های کوچک و بزرگی از آن در آسیای غربی و مشرق و مغرب اروپا و سراسر شمال براور آسیا میان نژاد سفید بطور پراکنده زندگی میکنند.

این نژاد سه شاخه بزرگ دارد: شاخه شرق اقصی - شاخه مغولی - و شاخه شمالی.

۱- شاخه شرق اقصی از دو شاخه دیگر از حیث تعداد واستعداد بیشتر اهمیت دارد و شامل چینیها، ژاپونیها، انامیها، کامبوجیها، سیامیها و برمه ها، و ماله ها میباشد.

میهن مخصوص این نژاد شرق اقصی و جزائر مجاور آن است اما مهاجرین این شاخه همواره در جزائر و سواحل اقیانوس کبیر و اقیانوس هند پراکنده شده و کوچ نشین ها تشکیل می دهند.

۲- شاخه مغول - از حیث شماره نفوس کمتر از شاخه نخستین ولی بیشتر در آسیا و اروپا پراکنده شده است . قوم مغول و منجوها و تبتهایها و تورانیها و ترکمانها و تاتارها و مجارها و بلغارها از این شاخه جدا شده‌اند.

وطن مخصوص این شاخه از نژاد زرد دامنه های جنوبی کوهستان جنوب سیبری تا کنار رود سیحون بود و باقیضای اقلیم همیشه خانه بدش و سرگرم کار شبانی بودند بهر نسبت که بر شماره ایشان افزایش می شد و از حیث زمین و چراگاه در تنگنا می افتادند و سمه هائی از ایشان مجبور به مهاجرت میشدند ،

ایرانیان که زمین های میان رود سیحون و رود فرات را سراسر در دست داشتند آغاز امر قرنها از ایشان جلوگیری کرده و بدین نظر همهاجرین مغول از راه شہال دریای خزر به اروپا رهسپار شدند ولی پس از آنکه مقاومت از اینسوکم شد متوجه این زمین های میان رود سیحون و بحر خزر را اشغال نموده و خود را بمغرب آسیا و شبه جزیره بالکان رسانیدند ،

۳- شاخه شمالی - این شاخه نتوانسته ملت و قوم معتبری را تشکیل بدهد و همیشه صورت طایفه های کوچک و بزرگ در منطقه چنگلها و حدود ناحیه توندرا زندگی میکرده است .

بیش از آنکه روسها قسمت جنوبی سیبری را مسکن همهاجرین خود قرار دهند همه سیبری در دست طوائف این شاخه بود ولی اکنون قسمت شمالی آن همچون شمال اروپا مسکن ایشان است طوائف معروف این شاخه : سامویدها ، استیاکها ، تونگوسها ، چوکچها ، Tchouktches

فینها، (فنلاندیها) ولایونها.

این طوائف در قسمت شمالی اور آسیا (اروپا - آسیا) از باب برندک تا ساحل غربی اسکاندیناوی در منطقه جنگلهای و توندرای سیبری و روسیه و فنلاند و سوئد و نروژ پراکنده‌اند.

تنها دسته فین‌ها که در فنلاند اقامت دارند برای خود ملتی و مملکتی تشکیل داده و آن نیز نتیجه امتصاص با عنصر سفید ساحل دریای بالقیک می‌باشد.

بصره - برخی از نژاد شناسان دسته «ماله» از شاخه شرق اقصی را که در جنوب شرقی آسیا و جزائر اقیانوس هند مسکن دارند از نژاد فرد خارج کرده و نژاد پنجمی بنام نژاد «ماله» تشکیل داده‌اند که شامل جاوه‌ای‌ها و مردم فیلی‌بین و سوماترا و برئو و سلب می‌باشد.

۳- نژاد سیاه

نژاد سیاه که شماره آن از دویست هزار نیز متجاوز است بمنظار می‌آید که نژاد مخصوص منطقه حاره باشد و بدشاخه بزرگ شرقی و غربی تقسیم می‌شود:

۱- شاخه شرقی - که جزائر ملازی و استرالیا و قسمت شرقی جزائر ملازی و فیلی‌بین و آنداهان و بسیاری از جزیره‌های کوچک اقیانوس کبیر و اقیانوس هند را مسکن قرار داده و بدشاخه تقسیم می‌شوند:
سیاهان کوتاه در جزیره کیمه و برئو زندگی می‌کنند و سیاهان جلنده که از آن هیانه بومیان استرالیا معروف می‌باشند. از آن‌ها که نژاد سفید به اقیانوسیه در آمده روز بروز از دسته‌های سیاهان شرقی کاسته

میشود و برخی از آنها اکنون بکلی نابود شده‌اند همچون بومیان تاسمانی که آخرین فرد ایشان در پنجاه سال پیش تقریباً مرد و با مرک او یکشنبه از این نژاد منقرض گردید.

۳- شاخه غربی - که قسمت مرکزی و جنوبی افریقارا سراسر فراگرفته و همچون شاخه شرقی بدود دسته بلند و کوتاه تقسیم میشود:

الف - سیاهان بلند عبارتند از سودانیها، بانتوها Bantou هوتنتوت ها Hollenlotter که در آن میانه بانتوها بدسته‌های متعددی تقسیم کشته وزولوها (کافرها) از آن میان معروف میباشند.

ب - سیاهان کوتاه که در جنگلهای اطراف رود کنگو زندگی میکنند و طول قامت هیچکدام از ۱۲۵ سانتی متر تجاوز نمیکند. هوتنتوتها که در ضمن سیاهان بلند نام بردهم در حقیقت حد فاصل میان سیاهان بلند و کوتاه هستند.

۴- اجرین سیاه پوستی که به امریکا سفر کرده‌اند اکنون در شمال و جنوب آن قاره شماره ایشان روز افزون و شاید بیش از بیان زده ملیون باشد از اختلاط ایشان با نژاد سفید و قره‌ز، دو نیمه‌های امریکا بوجوده آمدند که در امریکای مرکزی و جنوبی جزء مهم سکنه را تشکیل میدهند.

۴- نژاد سرخ

یک ملیون از بومیان امریکا که پیش از مهاجرت اروپائیان، ساکن آن سرزمین بوده‌اند در دامنه‌های شرقی و غربی رشته کوه‌سار (کر دیلر) باقی مانده و در اثر فشار مهاجرین سفید پوست اروپائی از مرحله تمدن اصلی خود بدرجۀ پست تنزل کرده‌اند.

این نژاد بسیه شاخه تقسیم میشود : شاخه شمالی - شاخه مرکزی
شاخه جنوبی .

۱- شاخه شمالی - شامل اسکیموها (کوشتخواران) .
آلگونکن ها Algonquin و سیوها Sioux که دسته نخست در شمال
کانادا والاسکا اقامت دارند و دو دسته دیگر در دامنه های کوهستان رشوز
بطور پراکنده زندگی میکنند .

۲- شاخه مرکزی - که شامل قوم ازتک Aztec و قوم مايا
میباشد که در مکزیک و امریکای مرکزی پیش از آمدن اسپانیائیها تمدن
عالی داشته و در اثر بد رفتاری مهاجرین و کشیشان اسپانیائی آثار تمدن
ایشان نابود گردید .

۳- شاخه جنوبی - شامل قبائل متعددی می شود که برخی
از آنها اکنون نابود شده و برخی دیگر در دامنه جبال آند زندگی میکنند
از آن میانه کیشوواها Quichua که در مملکت پرو و جنوب اکوانور
و شمال شیلی زندگی می کردند هنگام ورود مهاجمین اسپانیائی تمدن
مخصوصی داشتند و همچون قوم مايا پس از استعمار اروپائی آثار مدنی
این قوم نابود گردید آرولکان ها در دامنه آند پاناکون ها در ناحیه
جنوبی از بومیان اصلی امریکای جنوبی هستند که با سفید پوست از
آمیزش ندارند .

۵ - زبان

هر کم روی زمین بیش از آنچه در چگونگی قیافه و آندام با
یکدیگر اختلاف دارد و اجمع بسخن کفتن اختلاف پیدا کرده اند ایجاد

و چه شباهتی در هیان چندین گروه از مردم بسیار آسانتر از کشف بلک ریشه اصلی برای چندین زبان مختلف است.

موضوع زبان در تقسیم بندی نژادها دخالت مخصوصی دارد و می‌توان گفت پایه نژاد‌شناسی جدید بر زبان شناسی فرار گرفته است با وجود این، از نظر جغرافیائی بسیاری از زبانها که اهمیت ادبی یا اجتماعی ندارد همانند زبانهای امریکائی و زبانهای افریقائی از دایره بحث جغرافیائی خارج می‌کنند و تنها با آن دسته از زبانها می‌پردازند که جمعیت بسیاری بدان سخن میرانند یا از نظر لطف ادبی و آسانی توانسته است در سلسله روایط فکری بشری داخل شده و شیوع پیدا کند بنا بر این با وجود آنکه در امریکای شمالی بیش از دویست زبان موجود است چون همه سخنگویان بدنی زبانها از یک میلیون تجاوز نمی‌کنند بدان اهمیتی نداده وزبانهای افریقائی را که دویست میلیون تقریباً بدان تکلم می‌کنند چون جنبه ادبی ندارد از نظر دور داشته و تنها بدان دسته از زبانها که در علم جغرافی اهمیت خاصی دارند می‌پردازم.

زبانهای مهم روی زمین به دسته تقسیم می‌شود: هند و اروپائی، سامی و آسیائی (نورانی).

۱- زبانهای هند و اروپائی - شامل دسته‌های ایرانی، اسلامی، ژرمانی، لاتینی و یونانی می‌باشد:

الف - دسته ایرانی - مشتمل بر زبان فارسی، ارمنی و هندوستانی می‌باشد.

ب - دسته اسلامی - مشتمل بر زبان روسی، لهستانی، چکی و صربی است.

ج - دستهٔ ژرمانی - مشتمل بر زبان آلمانی، انگلیسی، هلندی،
دانمارکی، سوئدی، نروژی و فلامانی است.

د - دستهٔ لاتینی مشتمل بر زبان‌های ایتالیائی-فرانسوی-اسپانیائی
پرتغالی و رومانی می‌باشد.

ه - دستهٔ یونانی که مشتمل بر زبان یونانی جدید و زبان آلبانی است.

۳- زبان‌های سامی - شامل زبان عربی و عبری و سریانی و حبشی
و برابری می‌باشد.

۴- زبان‌های تورانی - شامل زبان‌های ترکی، چینی، ژاپنی
و خمری (هندوچین) است.

اگر اهمیت زبانها را از نظر بسیاری سخنگویان بدانها م نقاط اعتبار
قرار دهیم بدین قسم طبقه بندی می‌شود:

۱ - زبان چینی که متوجه از چهارصد هزار میلیون بدان سخن می‌گویند
۲ - زبان هندی که سیصد و پنجاه هزار میلیون بلهجه‌های مختلف آن
سخن میرانند.

۳ - زبان انگلیسی که دویست هزار سکنه انگلستان و استرالیا
و زلاند جدید و کانادا و آنازوونی بدان سخن می‌گویند.

۴ - زبان روسی که تقریباً یکصد و پنجاه هزار هزار سکنه روسیه اروپا
و سیبری بدان سخن میرانند.

۵ - زبان اسپانیائی که یکصد و ده هزار سکنه اسپانیا و مکزیک و
امریکای مرکزی و امریکای جنوبی (باستثنای برزیل) بدان تکلم می‌گفتهند

۶ - زبان آلمانی که در حدود نود هزار سکنه آلمان و اتریش
و قسمتی از ممالک دیگر اروپائی مرکزی با مهاجرین آلمانی امریکای

شمالی و جنوبی بدان سخن میرانند.

۷- زبان ژاپونی که هفتاد ملیون سکنه ژاپون و مهاجرین ژاپونی
بدین زبان سخن می رانند.

۸- زبان فرانسه که شصت ملیون سکنه فرانسه و بازبک و قسمتی
از سویس و قسمتی از کانادا و برخی از مستعمرات فرانسه بدان متنکلم هستند

۹- زبان عربی که متوازن از پنجاه و پنج ملیون سکنه بین النهرین
سوریه و فلسطین و جزیره العرب و شمال افریقا و سودان و افریقای شرقی
بدان سخن میرانند.

۱۰- زبان ایتالیائی که پنجاه هزار میلیون مردم ایتالیا و مهاجرین
ایتالی در امریکا بدان سخن می گویند.

زبانهای ادبی :

زبانهایی که از نظر اهمیت ادبی قابل ملاحظه می باشد عبارت از
زبان فارسی - زبان یونانی - زبان لاتینی - زبان سانسکریت - زبان
چینی - زبان عربی .

غالب آثار گرانبهای فکر بشری در قرون باستان و قرون میانه
بدین زبانها بود و متنکلامین بزبان‌های مهم امروز نیز با آن آثار بچشم احترام
مینگرنند.

فصل پنجم - آیین

۱- آیین چیست ؟

احتیاجات روز افزون افراد بشری موجب تشکیل اجتماعات
گردید و از آن خانواده‌ها و تیره‌ها و روستاهای شهرها بوجود آمد .
این هیئت‌های کوچک برای رفع احتیاجات ناگزیر از اتحاد شده

و ملت و مملکت را تشکیل دادند.

برای آنکه پیوند اجتماعی این مردم کسیخته نشود و در میان ایشان حلقه اتصالی همیشه بر قرار بماند بدو قید دینی و دنیوی با مادی و روحی خود را مقید ساخته و بهر نسبت که روابط این اجتماعات تزدیکتر و استوار گردد این دو رابطه بیشتر استوار و عمومی میشود.

در زبانهای عربی و فرانسه و انگلیس کلمه ای سراغ نداریم که بخوبی لفظ « آیین » فارسی این مفهوم مشترک را برساند.

آن بین بر دو نوع است آبین دنیوی یا حکومت و آبین روحی یا دین.

۲ - دین و مذهب

آن جوهر معنوی و اخلاقی که پیوند دلهای گروهی از مردم میباشد دین نام دارد. هر چند که پایه آن بر روی حقیقت اخلاقی ثابت و پرستش خداوند قرار گرفته و در اساس آن اختلافی نیست، باز عوامل مخصوصی سبب شده که این حقیقت یکتا بصورت های متعددی در آید و هر صورتی از آن بانامی مخصوص خوانده شود.

وقتی میان دو صورت ازین حقیقت اخلاقی، در کلیات و مسائل مهم اختلاف باشد هر دورا دین میگویند همچون دین اسلام و دین یهود در صورتیکه این اختلاف در جزئیات و فروع مسائل زندگانی باشد مذهب یا روش میگویند، همچون مذهب شیعه و مذهب سنی.

دین یکی از عوامل مؤثر جغرافیائی است و در اسلوب زندگانی و کارهای انسان اثر مخصوصی دارد؛ بدین نظر همیشه موقع تبیین اوضاع

جفرافیای یکقطعه یا یک مملکت دین را که عامل مؤثری محسوب میشود در جزو مباحث جفرافیائی وارد می کنند.

دین بودایی که آزار حیوانات را جائز نمی داند بیشک در اوضاع اقتصادی چین و ژاپون مؤثر است زیرا تربیت گوسفند که در همه جای عالم برای استفاده از گوشت آن است در این دو مملکت که پیرو کیش بودایی هستند رونقی ندارد.

با آن که حرمت گوشت خوک در کیش اسلام سبب شده که در ایران و ترکیه همچون ممالک همعرض آن مردم تربیت خوک نمی پردازند و بجای آن از راه پرورش گوسفند فائده هی برنند.

از اینجاست که دانشمند جفرافیائی عامل دین را هائندسا بر عوامل جفرافیائی درست از نظر تدقیق می گذراند.

دینهای بزرگ روی زمین بدو دسته تقسیم می شود:

یکی بت پرستی باصطلاح این عصر که آنرا فنیشیسم می گویند و دیگری خدا پرستی که در هاورای اجرام مادی و عالم محسوس یک امر معنوی وجود نامرئی را پرستش می کند.

دینهای خدا پرستی نیز بدو دسته تقسیم میشود:

یکتا پرستی (موحد) و چند تا پرستی (مشترک)

بحث در باره اینگونه تقسیمات مربوط بعلم جفرافی نیست و خود فنی جداگانه می باشد، در اینجا از نظر تعداد پیروان و حوزه انتشار دینهای هم عالم را بدین طرق قسمت بندی می کنیم:

۱ - دین اسلام

۱. مذهب شیعه - پیروان آن شاید در حدود ۷ میلیون نفر باشند

در ایران و عراق و جبل عامل (شام) و یعنی، مذهب بیشتر هر دم است و در هندوستان و سایر ممالک اسلامی نیز عده زیادی پیرو دارد.

ب - مذهب سنی - که پیروان آن بیش از دویست و هفتاد هزار نفر و در چین و هندوستان و هند و هلند و آسیای مرکزی و آسیای غربی و شمال افریقا و شرق افریقا و سودان و شرق اروپا زندگی میکنند.

۲ - دین ترسا «عیسوی»

پیروان آن تقریباً هشتصد هزار نفر و در اروپا و امریکا کمتر از نیز هشتاد و هشت سالگیان و در قطعه های دیگر نیز آینه محدودی از هر دم میباشد، شعبه های آن:

الف - مذهب کاتولیک - در اروپای جنوبی میان هزاران هزار لاتینی نژاد و در امریکا نیز میان مهاجرین لاتینی نفوذ دارد.

ب - مذهب ارتودکس - که در روسیه و شرق اروپا غالبه دارد.

ج - مذهب پروتستان - که در شمال و مرکز مغرب اروپا مذهب نژاد ژرمانی است و در امریکا و اقیانوسیه مهاجرین انگلیسی و آلمانی پیرو این مذهب هستند.

۳ - دین بودائی

که در شرق اقصی میان هزار زرد پانصد هزار پیرو دارد دارای شعبه های:

الف - کنفوویو سی - در چین و منچوری

ب - تاؤی - در چین و هندوچین و ژاپن

ج - سنتویی - در ژاپن که در حقیقت کمیش بومی ژاپنی میباشد

چون دین بودا نخست در هند ظاهر شده، هنوز هندوستان بیش ازدوازه ملیون بودائی دارد.

۴ - دین برهمنی

دارای دویست و پنجاه ملیون پیرو در جنوب آسیا می باشد.

۵ - دین یهود

دارای پانزده ملیون پیرو است که در سراسر عالم پراکنده میباشند و در اروپای مرکزی و غربی و ناحیه شمال شرقی آنازوئی شماره ایشان نسبةً زیاد است ولی در فلسطین که آنرا هیهون خود میدانند بیش از چهار صد هزار نفر یهودی وجود ندارد که در حدود دویست هزار نفر آنها مهاجر آلمانی و لهستانی وغیره میباشند.

۶ - دین زردشتی

در هندوستان و ایران تقریباً یکصد و بیست هزار نفر پیرو دارد که تقریباً هشت هزار نفر از این عده در ایران واقعیه در هندوستان اقامه دارند.

۷ - فتیشی

با بت پرستی مصطلح امروز. در حدود یکصد و پنجاه ملیون مردمی که هنوز در روی زمین زندگانی و حشیانه یا نزدیک بوحشیانه دارند دارای معتقدات مخصوصی هستند که بیشتر شبیه بافسون و تعویذات است و همواره معبود خود را در آثار طبیعی محسوس میجویند، شماره ایشان بطور قطع معین نیست ولی نباید از یکصد و پنجاه ملیون کمتر باشد. در شمال اورآسیا و مرکز و جنوب افریقا و جزائر اقیانوسیه و شمال امریکا

پیروان اینگونه دین که پایه کتاب و پیغمبری ندارد زندگی میکنند دانشمندان از لفظ پر تغایر فتیشو Feitico که معنی «تعویذ» است نام فتیشی را برای اینگونه معتقدات اصطلاح قرار داده اند.

۳- حکومت

آینی که بشر برای اداره کارهای اجتماعی و حفظ آرامش زندگانی خود اختیار میکند آنرا حکومت میگویند.

شیوه فرمانروائی در همه جای عالم و میان همه ملت‌ها یکسان نیست و هر قومی به نسبت استعداد فکری و روحی خود در سایه حمایت یک قسم حکومتی زندگی میکنند که متناسب با احوال و روحیات ایشان است.

بهمان قسم که دین در مسائل جغرافیائی اثر داشت حکومت نیز از یک نظر در ردیف عوامل جغرافیائی و از نظر دیگر نتیجه عوامل جغرافیائی است.

نمیتوان فراموش کرد که پیشرفت امر اقتصادی انگلستان در صدۀ نوزدهم تا پیش از جنگ بین المللی نتیجه رفتار حکومت انگلیس در موضوع تجارت بوده یا ترقی اوضاع اقتصادی آلمان پیش از جنگ و ژاپون پس از جنگ از نتایج وضع حکومت و اداره آن دو سرزمین بود. از طرف دیگر تغییرشیوه حکومت در روسیه و ایتالیا و آلمان پس از جنگ بین الملل نتیجه قضایای اقتصادی آنکشورها میباشد.

از این نظر است که در علم جغرافیا درباره حکومت و اقسام آن بحث میشود زیرا شیوه حکومت را نیز یکی از عوامل جغرافیای

اقتصادی میدانند

اقسام حکومت .. هر قومی بحسب استعداد و احتیاج خودیک اسلوب حکومتی دارند که با اسلوب اداره قوم دیگر اختلاف دارد . آگر بخواهیم اقسام حکومت را بطور تحقیق معین کنیم باید شمار دولتهای روی زمین ، برای آن تقسیمات قائل شد زیرا هیچ وقت دو قوم از حيث استعداد و احتیاج بیک درجه نیستند و در عیان ایشان کم یا بیش تباينی هست که این خود عامل ایجاد تفاوت در اسلوب فرمانروائی آنها میشود .

با وجود این حتی الامکان روش حکومتها را بیکدیگر نزدیک کرده به چند قسم مهم تقسیم میکنند :

۱ - **حکومت بدوى** ، این قسم فرمانروائی در عیان اقوام وحشی و فیمه هتمدن روی زمین وجود دارد که رئیس یا سرور قبیله بر همه افراد از هر حيث نفوذ و استیلا دارد .

۲ - **حکومت دینی** ، که رئیس مملکت بر ملت خود همانطور که زیاست صوری دارد غایبه و نفوذ معنوی نیز داشته و مردم صلاح دین و دنیا را در فرمانبرداری از او میدانند . هانند حکومت تبت و یمن .

۳ - **حکومت استبدادی** در این قسم حکومت یکنفر بنام سلطان یا امپراطور زمام اداره عموم مردم را در دست دارد و در برابر اراده او هیچ کس اختیاری از خود ندارد و تنها حدی که برای حوزه اقتدار او نصور میشود حد دینی میباشد غالباً این قسم حکومت به ارث نصیب یکی از فرزندان یا خویشاوندان رئیس مذکور میگردد . هانند حکومت نجد

و حجّاز .

۴ - حکومت مشروطه - در این قسم حکومت حق وضع قانون با مجلسی میباشد که از نمایندگان مردم تشکیل میشود و اجرای آن قوانین باهیئت مجریه ای است که به انتخاب شاه و تصویب مجلس کارهارا اداره میکند، محسنات اینگونه کشور داری محتاج بیان نیست . در این قسم حکومت رئیس بطور ارنی معین میشود .

مانند حکومت ایران، حکومت انگلیس، و حکومت ژاپن .

۵ - حکومت جمهوری - که همه ترتیبات آن مانند حکومت مشروطه است و تنها اختلافی که دارد در موضوع انتخابی بودن رئیس است . مانند حکومت فرانسه، حکومت ایازونی .

۶ - حکومت حزبی - این قسم حکومت در ممالکی بوجود آمد که پس از جنگ بین الملل اوپرای داخلی آنها تزلزل ییدا کرد و به بیچ وسیله ای اداره امور آنها ترتیب ثابتی نمی یافت ، از حیث عنوان ظاهر تابع یکی از دو قسم مشروطه یا جمهوری است ولی با این اختلاف ، که در حکومت مشروطه و آن دیگر ، همه مردمی که بیرون فکر مخصوص هستند برای انجام مرام خود آزادانه میکوشند و اگر بواسطه کمی عدد در تشکیل دولت هم شریک نباشند باز دارای حقوق و امتیازاتی هستند که قانون برای ایشان پیش بینی کرده است . اما در حکومت حزبی جدید تنها یکدسته بر هبری یک یا چند تن پیشوا ، زمام همه کارهارا در دست دارند و با قدرت نامحدودی برای پیشرفت هرام خود میکوشند . مانند حکومت روسیه و حکومت ایتالیا و حکومت آلمان .



جغرافیای مفصل ایران

اسامی مختلف کشور ایران : از ابتدای تاریخ تا حال این کشور و قسمتهای آنرا بنامهای مختلف خوانده اند مانند ایران . ایرانشهر . فارس . عراق . بلا دالعجم .

مورخین اسلامی لفظ ایران را مشتق از ایرج فرزند فریدون میدانند و استناد میکنند بر آنچه که در افسانه های باستان مذکور است (فریدون مملکت خود را سه قسمت کرد ایران را به پسر کوچکتر خود که ایرج نام داشت داد) .

بعضی نوشه اند که ایران در اصل اران و سر زمینی بوده مسکن و مأوای نژاد آدمین - این قسمت را بمناسبت ساکنیش باین نام نامیده اند و پادشاه ایران را هم در آن هنگام ایرج نام بردۀ اند.

اوستا کتاب مقدس ایرانیان قدیم اسم این ناحیه را بنام اریانه و یجو اسم میبرد (معنای مسکن خاص آرینها زیرا و یجو ویژ علاوه بر معنی خاص و خالص بمعنای تخم نیز آمده است و اریانه و یجو یعنی تخمگاه آرینها و بعبارت ساده تر مسکن آرینها) آریانه در زمانهای بعد با کمی تخفیف اران و اکنون ایران شده است در زمان ساسانیان این مملکت را ایرانشهر میخوانند و شهر در آن زمان بمعنای کشور استعمال میشد

اروپائیان تا چندی قبل این سرزمین را بنام یکی از ایالات جنوبی این کشور (پارس) پرس و پوشیا (پرسیس) میخوانندند. عربها (الف و نون) آخراً ایران را به (الف و قاف) تبدیل نموده و عراق خوانند و قسمت بین النهرين را که بعد ها عرب نشین و عربی زبان کرده بودند بهمین مناسبت عراق عرب و بقیه ایران را عراق عجم نام دادند.

حدود: ایران از قسمت شمال محدود است به یک قسمت از رود ارس که حد طبیعی ایران و قفقازیه است (در نقطه که رود ارس از آنجا به بعد دیگر سرحد ایران محسوب نمی‌گردد قریه قره دونی واقع شده) از این نقطه به بعد خط موهمی از پیسلوار پیش هیاًید. این خط کویر معان را بدو قسمت تقسیم می‌کند:

یک قسمت را برای ایران و قسمتی را برای قفقازیه باقی می‌گذارد از پیسلوار ببعد رود خانه کوچکی سرحد طالش ایران و قفقازیه قرار می‌گیرد. و باز خط موهم دیگری از آستانه تامحل انحنای رود خانه کوچک مذبور پیش می‌رود.

از آستانه اتا خلیج «حسینقلی» و مصب رود «اترک» سواحل جنوبی دریای هازندرای سرحد ایران را معین مینماید — رود اترک از اینجا بعد تا ملتقای رود «سُمبَار» و اترک ایران را از دشت «توران» جدا نموده و سرحد این مملکت را تحدید می‌کند و از ملتقای دو رود مذکور بعد کوههای خراسان بین ایران و جلگه توران قرار دارد. سرحد شمالی ایران «برخس ناصری» ختم می‌شود.

ایران از سمت مشرق با افغانستان و بلوچستان اندلیس محدودی گردد – رود «تجن» از سرخس ناصری تا «تومال آقا» سرحد طبیعی ایران و ترکستان و افغانستان است و بعد اخط منحنی موهومی تادریاچه سیستان ایران را از افغانستان جدا می‌سازد.

رود «هیرمند» سرحد شمالی سیستان را معین می‌کند این رود حد بین سیستان ایران و سیستان افغانستان است و از این پس باتلاق و دو سه رود خیلی کوچک ایران را از بلوچستان جدا می‌سازد.

از سمت جنوب ایران بخلیج فارس و بحر عمان محدود می‌گردد ابتدای این حد از مشرق «گواتر» شروع و بشرط العرب ختم می‌گردد قسمت اعظم سرحدات غربی ایران را جبال «زاگرس» تعیین می‌نماید. خط سرحدی مغرب ایران از قله «آرارات» شروع شده و از وسط جبال ارمنستان عبور مینماید و بموازات دریاچه رضائیه پیش می‌آید و در جنوب «سردشت» با رودخانه «زاب صغیر» تلاقي می‌کند در اینجا خط سرحدی کمی بجانب مشرق متوجه می‌شود و بعد در امتداد کوه «پشت شهیدان» و «بالغ دره» پیچ و خم مختصری پیدا کرده بجانب اورامان فرود می‌آید.

در ناحیه جنوبی اورامان رود «دیاله» سرحد طبیعی ایران و بین النهرين قرار می‌گیرد. بالاخره سرحد غربی این کشور تا انشعبابیک شعبه از شط العرب را قرار دادی که بین اولیاء امور دولت شاهنشاهی ایران و عراق بسته شده تعیین می‌کند. جبال «حمرین» که بموازات دجله در جنوب غربی لرستان و شمال غربی خوزستان کشیده شده قسمتی

از این سرحد را مشخص میکند.

دریاها - ایران از دو طرف بدریای راه دارد از شمال بدریای
بسته خزر(۱) و از جنوب بخلیج فارس و بحر عمان که از متفرعات آقیانوس
هند بشمار میرود.

۱ - بحر خزر از مصب «اترک» با ایران مجاور است. سواحل
ایران در این قسمت پست و کم عمق است. نقاط مهم ساحلی در این قسمت
عبارتند از خلیج حسینقلی. شبه جزیره میانکاله. جزیره آشوراده
خلیج استرآباد مرداب اترلی
چوی نشیب البرز نسبت بدریای شمالی ایران خیلی تنداست رودهای که
از این کوه بطرف دریای مزبور جاری میشوند سریع السیر هستند.
این رودها هنگامی که بکنار دریا تزدیک شدند به تپه‌های شنی
ساحلی بر خورده اجبارا منیر خود را بر گردانده و مقداری از آب
آنها در دامنه تپه‌های مزبور بزمین فرو میروند و باین ترتیب باطلاقه‌ائی
ایجاد می‌گردد و پس از آنکه آب رودخانها در اثر اجتماع در یک
 محل زیاد شد قسمتهایی از این تپه‌های هارا شکافته و بالنتیجه باطلاقها را
با دریا مربوط می‌سازد.

(۱) دریاهای دنیا بطور کلی دو قسم هستند: اولاً دریاهای که مستقیماً یا بطور
غیر مستقیم با آقیانوسها و دریاهای آزاد راه دارند. این قسم دریاهارا دریای باز
نامند ثانیاً دریاهای که به چوجه با آقیانوسها و دریاهای آزاد مربوط نیستند این
قسم دریاهارا دریای بسته خوانند مانند بحر خزر

در اثر این وضعیت او لا هر سال مقداری تضاریس جدید ایجاد می گردد (مرداب از لی نمونه از این تضاریس بشمار میرود) - نایا هوای اطراف بحر خزر بواسطه وجود این قبیل مردابها همیشه تپ خیز و ناسازگار است.

دریای خزر از بد و دوره تاریخی تا حال باسامی مختلف خوانده شده یونانیها این دریارا (هیرکانین) Hircanienne ضبط کرده اند^(۱) و باز بنام قبیله (کاسپینها) که در ساحل غربی این دریا سابقاً مسکن داشتند این دریا را (کاسپین) خوانده اند - و ما خودمان بنام طایفه خزد که در حوالی آن اقامت داشتند آنرا بحر خزر میخوانیم و نیز باعتبار و بنام یکی از ولایات جنوبی این دریا آنرا دریای مازندرانهم مینامند بنادر مهم ایران در این قسمت عبارتند از آستارا، محمود آباد (مشهد سر)، (بندرشاه)، (بندرگز)، (کمش په)، (پهلوی) اسم قدیمی آن از لی بوده است .

دریای خزر کنونی ۲۶ گز^(۲) از سطح دریای سیاه پائین تر است و با آنکه رودخانه عظیمی هاند «ولگا» با آن وارد میشود در اثر تبخیر زیاد روز بروز رو بقصان است

۲ خلیج فارس : از هصبه شط العرب تا باب هرمز مجاور ایران است

(۱) لفظ گرگان که نام ولایتی است در ساحل همین دریا بنظر من مشتق از همین اسم یونانی بحر خزر میباشد

(۲) هر گزی معادل یکمتر است

این خلیج نیز بمانند بحر خزر باسامی مختلف خوانده شده است
مانند خلیج ایران . دریای تلخ بحرالعجم . دریای بوشهر . دریای بصره
بنادر مهم ایران در ساحل این خلیج عبارتنداز خرم شهر (مهرم
سابق) که در روی شط العرب بنا شده است . دیلم . بوشهر . طاهری . ریک
نخلیلو . لنگه . عباس



بحر عمان از باب هرمز تا خلیج گواتر با ایران مجاور است نقاط
مهم این ساحل عبارتند از دو خلیج کوچک چاه بهار و گواتر و بنادر
مهم این ناحیه عبارتند از جاسک و گواتر - جزایر مهمی که در این
دریا قرار دارند و متعلق با ایران هستند عبارتند از هنگام . کیش . شیخ
شعیب . لارک . قشم . هرمز

روودخانه ها : رودخانه های مهم ایران عبارتند از :

۱ - در صبب بحر خزر - ارس (این رودخانه ایران را از
قفقاز جدا میکند) و در دشت مغان با رود کر متصل و به بحر خزر
وارد میشود - (آق چای) که پس از اتصال با رود (اهر) بارس میریزد
- سفید رود که از کوه چهل چشمه کردستان بنام قزل اوزن سرچشمه
گرفته در حوالی منجیل به « شاهرود » ملحق میشود و بالاخره به بحر
خزر میریزد - رود « سه هراز » که تنکابن را مشروب میکند در حدود
خرم آباد تنکابن بدربیان میریزد - رود « هزار » که در دره لار جاری است
و از آمل عبور کرده بدربیان میریزد - « بابل رود » که شهر بابل (بار
فروش سابق) را مشروب مینماید - رود گرگان - رود چالوس که از بین

کجور و کلار دشت میگذرد

۲ - صبب دریاچه ارومیه (رضائیه) مهمترین رودهایی که به این دریاچه میبرند عبارتند از جفتوچای که از جبال کردستان سرچشمه میگیرد - آجی چای که از شمال تبریز میگذرد

۳ - صبب دریاچه هاهون مهمترین رودی که وارد آن میشود هیرمند است که از کوه بابا سرچشمه میگیرد

۴ - رودهای داخلی قسمت عمده آب این رودها به صرف زراعت میرسد و مهمترین آنها عبارتند از جاجرود که از مشرق طهران میگذرد - کرج که در مغرب طهران جاری است و به رود شور قم ملحق میشود - هریرود که قسمت سفلای آن به تجن موسوم میگردد .

شعبه مهم این رودخانه "کشفرود" است که از شمال شهر میگذرد - ابهر رود که بالاخره به کرج متصل میشود رود کر یا بند امیر که در جنوب ایران جاری است و به دریاچه نیریز میریزد - زاینده رود که سرچشمه اش از کوههای بختیاری است و بالاخره در باطلاق گاو خونی فرو میرود

۵ - صبب خلیج فارس : رودهای مهم این قسمت عبارتند از کرخه و کارون که سرچشمه آن از جبال بختیاری است و در ابتدا کرنده رود نام دارد و پس از عبور از جلگه خوزستان دو قسمت میشود قسمتی بشط العرب میریزد و قسمتی پس از آنکه شعب و رودهای بسیاری از اطراف آن ملحق شده مستقیماً بنام (بهمشیر) بخاییج فارس وارد میگردد - رود (سرباز) و رود (نهنگ) که سرچشمه اولی در جبال مکران و سرچشمه دومی در باوجستان انگلیس است - رود جراحی که سرچشمه

آن کوه کیلویه است

دریاچه های ایران - دریاچه های مهم ایران عبارتند از ارومیه یا شاهی یا رضائیه که در آذربایجان واقع شده است سطح این دریاچه از ۴ هزار کیلومتر متجاوز است و منتهای عمق آن بازده گز است آب ش باندازه شور است که هیچ قسم ماهی نمیتواند در آن زندگی کند.

دریاچه (نیریز) واقع در فارس که جزیره کوچک قشنگ (علی یوسف) در وسط آن قرار دارد.

دریاچه قم معروف به حوض سلطان - دریاچه هامون واقع در سیستان - دریاچه مهارلو واقع در سمت جنوب شرقی شیراز

صحاری : در ناحیه مشرق این کشور بین ایران و افغانستان و بلوچستان صحرا ای بزرگی واقع شده است که سابقاً دریاچه عظیمی بوده قسمت شمالی این صحرا کویر نمک (۱) و ناحیه جنوبی آنرا کویر لوت خوانند (۲)

صحرا ای مرکزی ایران بادهای سخت و خوفناکی دارد که انسان را دچار وحشت میکند

بادها : قسمتی از بادهای ایران از جنوب شرقی و قسمتی از شمال غربی میوزند

(۱) کویر زمینی را گویند که باران بر آن باریده و در اثر تابش آفتاب سخت شود بعدی که تردد در آن دشوار گردد

(۲) لوت دروت در فارسی معنی عربان است چون این صحرا بکلی خالی از آبادی و سکنه است آزا باین نام نامیده اند

مهمترین بادهای ایران در پائیز و زمستان بادهای شمال غربی و در تابستان بادهای جنوب شرقی است. سخت‌ترین بادهای ایران در سیستان دیده میشود و آنرا باد یکصد و بیست روزه میخوانند (۱).

بعضی از قسمتهای ایران همانند غالب دره‌های ایالت کرمان باد دائمی دارند بین اهالی کرمان جمله ذیل خیلی معروف است : از باد پرسیدند که منزلت کجاست گفت کلبه من در ته رود ولی گاهی در حوالی سروستان نیز گردش میکنم

کوهها - ۱ - رشته شمالی : رشته شمالی خود به قسم تقسیم میشود اول کوههای آذربایجان که عبارتند از قره داغ. جبال طالش که به قافلا نکوه می پیوندد - جبال ساوجبلاغ - جبال سهند واقع در جنوب تبریز - کوه سبلان که از مشرق به جبال طالش متصل - میشود ثانیا جبال خراسان که عبارتند از هزار مسجد - آلا Dag - بینالود ثالثا جبال البرز در هشرق سفید رود یک رشته کوههای عظیمی در موازات ساحل دریا کشیده شده - دامنه های شمالی این کوهها غالباً مستور از جنکل های باصفاست و هر نقطه آن اسمی جداگانه دارد مانند جبال طارم (در شمال خمه) - کوه سامان - الموت - کوههای شمیران واقع در شمال طهران - جبال دماوند که ۵۶۷۰ متر ارتفاع دارد و از مرتفعترین قلل ایران بشمار میرود و سابقاً آتش فشان بوده است و چشمه های آب گرم معدنی در دامنه های آن موجود است - کوههای سمنان - شاه کوه که استرآباد

(۱) این باد خشک و تابستانی اساساً از پامیر بر میخورد و با آنکه در سیستان از سرعت آن کاسته میشود باز بردم خلی صدمه میزند

را از شاهرود مجازی می‌سازد و گردنۀ عمده اش علی‌آباد نام دارد - جبال سواد کوه .

۲- رشته جبال مرکزی کوههای ایران عبارتند از کوه شاه سبز واقع در کرمان - کوه کرس در جنوب کاشان - شیرکوه در یزد . شاهکوه در جنوب کرمان . جبال بارز کوه که بکوههای بلوچستان همراهی می‌شود

۳- رشته جبال غربی و جنوبی : کوه آرارات واقع در شمال غربی آذربایجان که دو قله عمده دارد یکی آرارات کبیر و دیگری و آرارات صغیر - جبال کردستان - کبیر کوه که بموازات خط موهوم سرحد غربی است - کوه کیلویه - جبال دینار که قله مرتفع آن دنا نام دارد بارتفاع ۲۵۰۰ گز . این قله از حیث ارتفاع دومین قله ایران است - جبال لارستان که تا حوالی بندر عباس امتداد دارد .

آب و هوا - قسمت اعظم فلات ایران دارای آب و هوای خشک بری و شبیه به آب و هوای منطقه تحت استوائی است یعنی تابستانها و زمستانهای آن باهم اختلاف شدید دارند باستثنای سواحل دریای شمالی و دریاهای جنوبی در جاهای دیگر این کشور رطوبت بحد کافی موجود نیست - در سواحل خلیج فارس و بحر عمان مردم در مقابل شدت حرارت آفتاب تاب مقاومت ندارند و ناچار بسردابها پناه می‌برند بیشتر زراعت ایران در دامنه‌های جبال و دره هاست . جمعیت اعظم این مملکت با ایران و غیر مسکون است ولایات حاصلخیز ایران بعد از ایالات شمالی عبارتند از قسمت شمالی خراسان دره های کرمان - آذربایجان - خمسه - کردستان همدان - کرمانشاه

روسیه و سیبری .

۸ - تأثیر آب و هوا در نباتات

اگر وضع آب و هوا و جنس خاک روی زمین همه جا بکسان بود بیشک این اختلافات کنونی در جنس نباتات روی زمین دیگر وجود نداشت زیرا این اختلاف‌ها نتیجه عوامل مؤثر در زندگی نباتی است . عوامل زندگی نباتی :

در زندگی کیاه دو عامل مؤثر وجود دارد : یکی آب و هوا و دیگری جنس خاک .

آب و هوا - از چند راه در چگونگی زندگی کیاه اثر میکند نور - مایه سبزی برک که « کلروفیل » نام دارد بنور احتیاج دارد و هر اندازه که نور آفتاب بیشتر باشد کیاه بیشتر نمو میکند .

حرارت - عامل مهم زندگی ، حرارت است و در این صورت کیاه که موجود زنده ای است بدان نیاز دارد . استعداد کیاههای در مقابل حرارت مختلف است مثلا خرما بیش از احتیاج بکرما دارد ، در صورتیکه جو کمتر از هو حرارت میخواهد ،

رطوبت - ساختمان کیاه با اختلاف اندازه رطوبت اقلیم نفاوت پیدا میکند . هر جا رطوبت بیشتر است بر کهای کیاه بهن تر و آنجا که تری اقلیم کم میباشد ، کیاه دارای پوست محکم و بر کهای ریز و شاخه های خار دار میباشد تا بتواند حمیشه مقداری آب در داخل خود ذخیره نگاهدارد هوا - عمل تنفس کیاه بدون هوا امکان ندارد و بدین نظر هوارا لیز باید بکی از عوامل زندگی نباتی دانست .

جنس خاک : خاک از دو راه در زندگی نباتی تأثیر دارد :

جمعیت و نژاد : چون سابقاً در ایران سرشماری طبق اصول صحیح بعمل نیامده و اداره آمار و ثبت احوال هم جدیداً در نقاط مختلف این کشور تأسیس یافته باشندجه نمی توان جمعیت ایران را بطور تحقیق معلوم نمود ولی علی التحقیق کمتر از ۱۲ میلیون نفر نیست بنابراین میشود گفت که جمعیت نسبی ایران هفت است. بدشمر سکنه ایران در نواحی شمالی و غربی و جنوبی این کشور اقامت دارند و قسمتهای مرکزی و شرقی ایران نقویباً بی سکنه است

با آنکه درازمنه قدیم چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام طوایف خارجی بسیاری باین مملکت هجوم آورده و بتدریج جمعی از آنها در گوشه هائی از این مملکت مقیم و امروز جزء سکنه این کشور بشمار میروند هر یک از آنها عادات و اخلاق جداگانه ای داشته اند. معهداً نصور نمی کنیم روی هم رفته در هیچیک از ممالک دنیا هاند ایران سکنه آن از یک نژاد و دارای یک مذهب و یک زبان رسمی باشند و این موضوع برای امروز و آتیه ایران خیلی جالب نظر و مورد امیدواری است زیرا ملتی که دارای یک مذهب و یک زبان و یک نژاد باشد قهرآیک فکر و یک ایدآل (۱) خواهد داشت

ملت و مملکت ایران در گذشته همواره با مصائب زیادی روبرو بوده است ولی در اثر همین یگانگی در نژاد و زبان همیشه متعاقب

(۱) ایدآل بمعنی غایت الامال و ارمان است

خزان‌های متعدد سیاسی بهارهای فرح انگلیزی داشته است و همچو
قوه و نیروئی برای مدتی مدید قادر به از بین بردن این کشور نشده با
مراجعه مختصری بتاریخ مملو از افتخار این مرز و بوم بخوبی درک خواهد
کرد و می‌بینید که بحمد الله متعال ماقب حملات اسکندر و مقدونیه‌ای‌ها که می‌شود
آنرا خزان سیاسی ایران نامید با بهار دوره ساسانیان و پس از هجوم
عرب با دوره صفاریان و سامانیان و بر اثر حملات ترک با زمان
صفویه و پس از تاخت و تاز افغانستان با ظهر نادر و در دنبال دوره
خوشگذرانی‌های سلاطین قاجار و سفاکیهای آغا محمد خان مؤسس این
طبقه با بهار عصر مشروطیت و عظت دوره پهلوی رو برو هستیم
اختلاف جزئی که امروز در زبان و مذهب و نژاد سکنه این
کشور مشاهده می‌شود قابل توجه نیست زیرا هویت دامنه تمدن بیشتر
توسعه یابد این اختلافات کمتر می‌شود.

بطوریکه گفتیم خوب بختانه آن وحدتی که برای یگانگی قومی
لازم است در بین سکنه ایران وجود می‌باشد و اهالی این کشور در
یک تاریخ و یک جغرافی و یک ادبیات شریک هستند و آمال ملی تمام
ایران یکی است. سکنه اصلی و اولیه ایران را نژاد آرین تشکیل میدهد
و امروز آرین‌های خالص سکنه کوهستانی این کشور هستند مانند
بختیاری‌ها. کردها. بعضی از ایلات خراسان و فارس و اهالی هزار دران.
مذهب - مذهب رسمی اهالی ایران آئین محمدی (ص) و طریقہ جعفری
است. غیر از شیعه هائیکه اکثریت اهالی این کشور را تشکیل میدهد

متتجاوز از یک میلیون و نیم مسلمان سنی مذهب در ایران وجود دارد.
از پیروان ادیان دیگر همانند ارامنه . یهود . و زرتشیان در بیشتر نقاط
این مملکت متفرق و ساکنند.

وضع حکومت - ایران از ۱۳۲۴ باین طرف دارای حکومت ملی و مشروطه است .

بموجب قانون اساسی سه قوه در این مملکت حکومت میکند :
قوه مجریه که در دست وزرای مسؤول و ریاست عالیه آن باشاد مملکت
میباشد .

قوه مقننه که در دست مجلس شورای ملی و مجلس سنا است .
نمايندگان مجلس شورای ملی ایران برای مدت دو سال با رأی
عخفی و مستقیم از طرف مردم انتخاب میشوند .

گرچه در قانون اساسی تشکیل مجلس سنا نیز پیش بینی شده است
ولی نظر بمقتضیاتی تا حال در ایران تشکیل نشده و باز بموجب قانون
اساسی در غیبت مجلس سنا مجلس شورای ملی کارهای اورا نیز انجام
میدهد . قوه قضائیه که قانون اساسی اورا به حاکم عدیله سپرده است .
بموجب قانون اساسی از ۱۳۲۴ باين طرف تمام افراد مملکت
در مقابل قانون مساوی هستند .

قانون اساسی ایران تمام افراد این کشور آزادیها را که انقلاب
کبیر فرانسه بنام آزادی بشر اعلام نمود اعطای کرده است از قبیل آزادی
در فکر . در عقیده . در حرفة و شغل . در مذهب . در مسکن . در بیان .
در تحریر و غیره .

ایران به دوازده ایالت تقسیم میشود ولی فعلاً چهار قسمت آنرا ایالت خوانند و بقیه را ولایت و حکومت نشین گویند
چهار ایالت عبارتند از آذربایجان . خراسان و سیستان . کرمان و بلوچستان . فارس و لارستان

این تقسیمات ثابت نبست و بر حسب اقتضا قابل تغییر است



ایالات و ولایات ایران

۱ - آذربایجان

آذربایجان در شمال غربی ایران بین بحر خزر و دریای سیاه و جلگه بین النهرین و فلات کرستان واقع گردیده .
از شمال محدود است به رود ارس و از مغرب به ترکیه و از جنوب به کرستان و خمسه و از شرق به گیلان و طالش کوههای مهمی که در آذربایجان دیده میشود عبارتند از سبلان (آتششان خاموش است) سهند که قسمت جنوبی آنرا (آق داغ) خوانند .
جبال قره داغ - قافلا نکوه

رودهای مهم آذربایجان عبارتند از رود کوچک (آستارا) که از سهند سرچشم میگیرد و (ارس) که قسمت وسطای آن سرحد است اجی چای یا (تلخه رود) که به دریاچه رضائیه میریزد - قادر چای قره چمن چای که از گرم روید میگذرد



زمینهای آذربایجان بسیار حاصلخیز است و در دره های آن
انواع و اقسام غلات بعمل می آید
معدن مهم آذربایجان عبارتند از سنگ مرمر (در مراغه) -
زغال سنگ (در حوالی تبریز) - مس (در کوه سهند) - آهن (در
جبال قره داغ)

❀ ❀ ❀

از نظر اوضاع و تقسیمات سیاسی امروز آذربایجان را بدو قسمت
شرقی و غربی تقسیم میکنند
اولاً آذربایجان شرقی . این ایالت در مشرق دریاچه رضائیه
(ارومیده سابق) قرار گرفته . مرکزش قبریز نام دارد . تبریز از شهرهای
مهم ایران است سابق پایتخت شاه اسماعیل صفوی بود .

غالب اینیه و آثار تاریخی این شهر را زلزله های متوالی و لشکر
کشیهای ا جانب خراب و از بین برده است - تبریز متجاوز از ۲۳۰
هزار نفر جمعیت دارد

از مشاهیر رجال تبریز ترتیب خواجه حسام الدین شاعر . میرعلی و اضع
خط نستعلیق . ستار خان سودار ملی و باقر خان سالار ملی را که از
رؤسای انقلاب و آزادیخواهان ایران هستند باید بخاطر سپرد
قصبات معروف تبریز عبارتند از : صوفیان . شبستر . اوچان .

شرفخانه

❀ ❀ ❀

ساختمان شهرهای آذربایجان شرقی عبارتند از :
۱ - اردبیل که مرکز آن نیز بهمین نام خوانده میشود و قراء

معتبرش عبارتند از آستارا . مشکن . مغان . اردبیل موطن (شیخ صفی الدین) عارف معروف ایران است و مقبره او نیز در آنجا است سابقاً کتابخانه بسیار نفیسی داشت ولی متأسفاً قسمت اعظم آن ضمن جنگهای روس و ایران بغارت رفت (۱) و امروز کتابهای مزبور زینت افزای کتابخانه **لین گراد** هستند

- ۲ - هراغه که قصبات مهمش عبارتند از ماماقان - دهخوارقان
- ۳ - خلخال که مرکزش هرو آباد نام دارد و توابع مهمش شاهین دشت (صاین قلعه سابق) و هشت رود است
- ۴ - میانه یا میانج در سر راه طهران : بین تبریز و زنجان قرار دارد. قصبات مهمش عبارتند از سر آب . آلان براغوش
- ۵ - ارسپاران (قرابه داغ سابق) مرکزش اهر و قصبات مهمش مرند و جلفا میباشد.

قسمت شرقی قرابه داغ را اجار رود و ناحیه شمال شرقی آنرا دشت مغان نامند. (مغان اهمیت تاریخی دارد زیرا همانجا نی است که نادر شاه افشار در نوروز سال ۱۱۴۸ بزرگان مملکت را برای شورای کبرای نادری و تعیین تکلیف سلطنت ایران دعوت نمود و نیز تاجگذاری نادرشاه در همین محل بود)

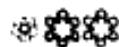
ثانیاً ایالت آذربایجان غربی : آذربایجان غربی در مغرب دریاچه رضائیه قرار دارد و مرکز آن شهر رضائیه قریب ۴ هزار (۱) مقبره شیخ صفی الدین را اخیراً وزارت معارف تعمیر نموده وبصورت آبرومندی در آورده است

جمعیت دارد -- از قصبات اطرافش سلدوز و اشنویه مهم و قابل ذکرند
ساختمان شهرهای مهم آذربایجان غربی از اینقرار است :

۱ - مهاباد (ساوجبلاغ مکری سابق) مرکز نیز مهاباد نام دارد
شهرهای معروفش عبارتند از سردشت، میاندوآب

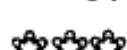
۲ - خوی که مرکز آن نیز بهمین نام خوانده میشود - نقاط
معروفش عبارتند از شاهپور (سلماس سابق) صدقیان، دیلمقان، ماکو، چالدران
ماکو در سرحد شمال غربی قرار دارد و ماکور رود از آن عبور مینماید
ماکو دارای استحکامات نظامی و در سرداه «وان به تبریز» قرار دارد و
میتوان آنرا مفتح تبریز از جانب مغرب محسوب کرد.

چالدران نیز اهمیت تاریخی دارد زیرا جنگ معروف شاه اسماعیل
و سلطان سلیمان خان عثمانی در این ناحیه واقع شده.



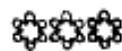
قصبات مهم آذربایجان که از احاظ اهمیتهای تاریخی باید اسم آنها را
در نظر داشت عبارتند از : ترکمن چای (در قسمت گر مرود) که از نظر
معاهده ترکمن چای اهمیت دارد - قتور (این قسمت را در زمان فتحعلی
شاه ایران از دولت عثمانی گرفت ولی اولیای امور اسلامبول آنرا بتصريف
نمیدادند - در زمان عبدالحمید خان دوم بواسطت بیسمارک صدر اعظم
آلمان در کنگره برلین بتحویل اولیای امور ایران داده شد)

۳ - سرآب که مراتع و چمنهای مصفای آن سابقاً چرا کاه احشام
ولیهدهای قاجاریه و بیلاق آنان بود



آذربایجان مهد و مولد زرده است، پیغمبر ایرانیات قدیم است. کچه امروز اهالی آذربایجان به ترکی حرف میزنند ولی باید متوجه بود باشند که اهالی این ایالت دارای خون پاک ایرانی هستند و در اصالت و ایرانیت آنها شکی نیست و با توجهی که دولت و وزارت معارف از طریق تعلیمات عمومی در سنوات اخیر مبذول داشته اند امید و اطمینان قطعی حاصل است تا چندی دیگر تکلم بازبان ترکی بکلی ترک گردد و مردم این کشور عموماً بازبان اصلی و مادری خود حرف بزنند.

اوپای اقتصادی: معادن مختلف آذربایجان عبارتند از سرب و مس و نمک و آهن و چشمeh های آب گرم معدنی - طیور مختلف هانند قو و مرغابی در دریاچه های این ایالت فراوانند و غالباً مردم برای شکار از اطراف بدانین ناحیه میباشند - یک رشته راه آهن بطول ۴۲ کیلومتر تبریز را به چلغفا وصل میکند - منسوجات پنبه و پشمی و مخصوصاً قالیهای آذربایجان طرف توجه است - در آذربایجان انواع میوه ها بعمل میآید - انگور و شراب آذربایجان در اعلى درجه خوبی است. امروز آذربایجان از لحاظ واردات و صادرات بر غالب نقاط و ایالات دیگر ایران برتری دارد هرگاه راه آهن مغرب به شرق ایران کشیده شود آذربایجان بمراتب بیش از امروز اهمیت خواهد داشت.

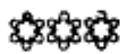


۲ - کردستان

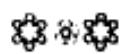
کردستان که اسم دیگر آن «اردلان است» ولايتی است واقع بین کردستان عثمانی و کرمانشاه و عراق عجم و آذربایجان - جبال مهم کردستان

عبارتند از چهل چشمه؛ پنجه علی، شاکوه؛ بالغ دره؛ پشت شهیدان
دورودخانه زاب کبیر و زاب صغیر از کوههای کردستان سرچشمه
می‌گیرند.

مرکز کردستان شهر «سننه» میباشد که اسم دیگر آن اردلان است
توابع مهم کردستان عبارتند از اورامان^(۱) «مریوان. بانه» سقز. قروه
جوان رود.



یکی دیگر از ولایاتی که معمولاً آن را جزء کردستان محسوب
میدارند گروس است که کرسیش بیهجار نام دارد محصولات عمده کردستان
عبارةست از قالی و فرشهای مخصوصی که بنام سجاده خوانده میشود. تخت نرد
و شترنج و قوطی سیکار های طریف و همتازی با چوب تهیه میکنند -
تون و مخصوصاً توتون چیق آن معروف است.



ولایت کرمانشاه - کرمانشاهان ولایتی است که سابقاً آنرا جزء
کردستان میدشمردند ولی امروز حکومت جدا گانه دارد و سایر ادارات
دولتیش نیز مستقیماً با مرکز ارتباط دارند این ولایت از شمال بکردستان
و از مشرق عراق عجم و از مغرب به بینالنهرین و از جنوب به لرستان
محدود میشود.

کرسی کرمانشاه نیز بهمین نام معروف است و رود قره سو از
نزدیکی آن عبور میکند قصبات مهم آن عبارتند از شاه آباد غرب. سرپل
قصرشیرین - صحنه - هرسین - کنکاور - قره سو (که راه آهن عراق باین
 نقطه منتهی میگردد). ماهی دشت. گهواره (تون آن معروف است)

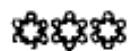
(۱) اصل و صحیح آن هورامان است



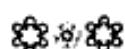
در طرف راست جاده‌ای که از همدان به کرمانشاه می‌رود کوهی است که داریوش کبیر کتیبه معروف خود را بر روی آن نقش کرده است این کتیبه که بنام کتیبه بیستون خوانده می‌شود در تاریخ و تاریخ ادبیات ایران اهمیت کلی دارد. طاق بستان که اینیه و یادگارهای خسرو پرویز در آن قرار دارد در شمال شرقی کرمانشاه واقع است.



زبان اهالی کرمانشاه کردی است ولی کردی کرمانشاهی با کردی کردستان تفاوت کلی دارد - طوایف سنجابی . گوران و کلهر قبل از آنکه شهر نشین شوند در حوالی کرمانشاه مسکن داشتند.



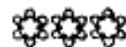
محصول عمده کرمانشاه عبارتست از توتون . انواع و اقسام میوه‌ها از یکی دو سال قبل در شاه‌آباد غرب چندین کارخانه تأسیس نموده اند که اهم آنها کارخانه قند سازی است .



۳ - لرستان

خاک لرستان بواسطه کبیر کوه بدو قسمت تقسیم می‌شود پیشکوه در طرف مشرق و پشتکوه در سمت مغرب - اراضی لرستان عموماً کوهستانی است مرکز حکومت پیشکوه حرم آباد است یکی دیگر از شهرهای معتبر لرستان بروجرد است - بروجرد از شهرهای صنعتی ایران بشمار می‌رود و پارچه‌های مختلف گیوه . و درشو آلات آن معروف است .

خاک پشت کوه نیز بسیار حاصلخیز و قسمت اعظم آن مستور از جنگل است لرستان متجاوز از ۱۳۰ هزار خانوار جمعیت دارد سابقاً مسکن طوایف مسلح لر بود ولی امروز در اثر خلع سلاح عمومی ایلات و تأسیس مدارس و دبستانها بحدازو مبتدریج لرها با سواد و شهر نشین شده‌اند و روز بروز بر تعداد مدارس و دبستانهای این قسمت افزوده می‌شود

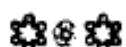


۴- خوزستان و بختیاری

خوزستان ولایتی است که از شمال به بختیاری و لرستان و از جنوب بخلیج فارس و از مغرب بسلط‌العرب و بین النهرین و از مشرق بایالت فارس محدود می‌گردد

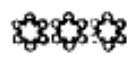
خوزستان رودخانه‌های کوچک بسیاری دارد که بیشتر آنها بوسیله شط‌العرب بخلیج فارس وارد می‌شوند. مانند کارون که یکانه رودخانه قابل کشتی رانی ایران بشمار می‌رود. کرخه. جراحی. آبدیز آب و هوای خوزستان خیلی گرم و ناسازگار است

از خوزستان چون هر کرز چندین دولت قدیمی است (مانند عیلام کلده. آشور. کلده جدید. هخامنشیها. ساسانیها) آثار مهم تاریخی مانند کاشیهای نقش اردشیر و قراولان خاصه داریوش و قوانین هامورابی بدست آمده و بیشتر این آثار امروز در طالار مخصوصی بنام ایران در موزه لو و پاریس ضبط است و غالب این آثار را «دیولا فوا و دمرگان» استخراج کرده‌اند



شهرهای مهم خوزستان عبارتند از شوشتر در کنار رود کارون که
خرابه شوش پایه‌خت هخامنشیها در ترددیکی این شهر دیده می‌شود - خرم
شهر (محمره سابق) اهواز (ناصری سابق) - رام هرمز - دزفول
بختیاری - ناحیه‌ای است بین اصفهان و خوزستان و فارس و لرستان
خاک بختیاری دارای دره‌های عمیق بسیار و جبال مرتفع مستور
از جنگل و چشمه سارهای متعدد و صفا است

عده بختیاری‌ها درست معلوم نیست و آنها را تا ۶۰ هزار خانوار
هم نوشه‌اند : بختیاریها بدو طایفه هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم می‌شوند
و ظاهراً از قدیمی ترین طوایف ایرانی بشمار می‌روند. نادرشاه افشار قسمت
عمده این طایفه را بخراسان کوچ داد ولی پس از قتل آن پادشاه مجدداً به
 محل خود مراجعت نمودند - خاک بختیاری دارای تنگه‌ها و معابر سخت
طبیعی است این تنگه و معتبر هارا «دز» مینامند



۵ - ایالت فارس

فارس سرزمینی است خرم و با صفا که از شمال با اصفهان و از مشرق
بکرمان و از جنوب بخلیج فارس و از غرب به بختیاری و خوزستان محدود
می‌گردد . هوای فارس و دره‌های با صفا و طراوت آن انسان را بخود جلب می‌کند
فارس ملکی مردخیز است و چندین نفر رجال نامی و سلاطین
بزرگ این کشور از این سرزمین بر خاسته‌اند دو زنده کمنده ایران
«کورش کبیر و اردشیر پاپکان» زاده فارسند و در دامان مادران پارسی
پروردش یافته‌اند

فارس زمینی نزه و آسمانی صاف دارد مناظر طبیعی دلگشای
فارس محرک ذوق و مشوق مردم متفسّر است . قاضی بیضاوی مجدد الدین
فیروز آبادی . سعدی . حافظ . قاآنی . وصال شیرازی همه فرزندان این
خاکند و از پستان بانوان فارسی شیر خورده اند
در جانب غربی شیراز دشت بزرگی بنام « ارژن » قرار دارد این
دشت نرگس زار وسیعی است که در ایران بالکه در دنیا نظیر آن دیده
نمیشود شیراز را بمناسبت همین خوبی آب و هوا از قدیم ملک ملیمان
لقب داده اند و در مقابل شیراز یزد را از جهت بدی آب و هوا « زندان
اسکندر » خوانده اند

جبال عمدۀ فارس عبارتند از « دینار » که قله اش « دنا » بارتفاع ۵
هزار متر دومین قله مرتفع ایران
بشمار میروند .
جبال کازرون . کوه زرد . کتل پیروز . کتل دختر . کوه بل

رودخانه های عمدۀ فارس عبارتند از شاپور . مند . رود کر
دریاچه های مهم فارس عبارتند از دریاچه « بختکان . مهارلو »

اوّل اوضاع و تقسیمات سیاسی . والی نشین فارس شیراز نام دارد
شیراز از شهرهائیست که در صدر اسلام بنا شده و تا حال چندین مرتبه
پایتخت بوده است و هر بک از سلاطین که در این شهر سلطنت داشته اند

بناهای مهم و آثار معتبری از خود باقی و بجا گذاشته اند.
امروز باضافه آثاری که از سلاطین دوره های گذشته در این شهر
باقی و بر جا مانده مقبره دو شاعر شهری و شیرین گفتار ایران هر شیراز
دیده میشود.

دو آرامگاه بلبلان خونشان و سوستاق فضل و ادب (سعدي و حافظ)
از جاهای باصفا و گردشگاههای عمومی است.

از آثار مهم تاریخی که در فارس دیده می شود یکی پرس پلیس
مشهور باستانی است.

در بالای یکی از عمارت پرس پلیس کتبه مهم داریوش دیده میشود.
در این کتبه شاهنشاه ایران ساتراپهای دوره خود را ذکر میکند.
یکی دیگر از شهرهای تاریخی فارس پازار گماد است.

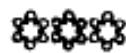
پازار گادرا امروز بد نام دیگر (مشهد مرغاب و مزار مادر سلیمان)
میخوانند بهر حال پازار گاد اهمیت تاریخی دارد زیرا آرامگاه گورش کویر
و بسیاری از سلاطین هخامنشی در اینجا است.

بازار وکیل و مسجد وکیل از بنادهای کریمخان زند و جامع عتیق
شیراز از بادگارهای عمر و بن لیث قابل ذکرند.

یکی از شهرهای تاریخی فارس شهر شاهپور است که از آثار
شاهپور بن اردشیر میداشد.

ساختمانهای فارس عبارتند از «بیضا - مرغاب - استهبانات - نیریز
سرستان - فیروز آباد - همسنی - دارابگرد - آباده » که منبت کاری و گیوه
های آن معروف است « - مرودشت - رامجرد - ارسنجان - تنگستان -

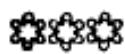
کازرون - برآذجان - کوه کیلویه واقع در سرحد غربی فارس که شهر
مهعش (بهبهان) نام دارد.



لارستان قسمتی است واقع بین فارس و کرمان که سابقاً از فارس
 جدا و حکومتی مستقل داشت.

هوایش گرم و محصولات عمده اش خرما و غلات است. مرکزش
شهر «لار» و شهر عمده اش «طارم» است.

فارس یکی از ایالات پر ثروت ایران است.
صادرات عمده اش عبارتند از آب لیمو . شراب خلر . حصیر . خرما
کیوه . ترشی . نرگس . مربا و غیره



۶- بنادر فارس

تا چندی قبل بنادر جنوبی ایران قسمتی جزء کرمان و بقیه ضمیمه
فارس بود ولی امروز نام این بنادر حکومتی علیحده دارد که از مرکز
مستقیماً اعزام میگردد.

مرکز حکومت بنادر «بندر بوشهر» است. بوشهر هوایش گرم و
ونا سالم است.

بنادر مهم جنوبی ایران عبارتند از «دیلم : ریک . برستان . طاهری
بوشهر . لنگه . عباس . جاسک : چاه بهار . گواتر .»



جز ایر مهم جنوب ایران عبارتند از: هرمز . قشم . لارک . هنگام .
کیش . شیخ شعیب . خارکو (خارک) .

۷- کرمان و بلوچستان

کرمان و بلوچستان که اکنون بنام کرمان و مکران خوانده میشود
و هریک والی جدا گانه دارد از شمال محدود است بخراسان و یزد و از
جنوب بخلیج فارس و از مشرق به بلوچستان انگلیس و از مغرب
به فارس .

جبال عمدۀ این ناحیه عبارتند از کوه «بادامان . شاهکوه . کوه تفتان
جبال بارزه کوه شاهسواران» .

در اثر مجاورت صحرای لوت رود خانه مهمی در این دو ایالت
دیده نمیشود .

رودهای معتبر این ناحیه عبارتند از بمپور رود . رود سرباز . نمک رود -
هر کر کرمان شهر «کرمان» است که در قدیم آزا گواشیر میگفتهند کرمان از
شهر های صنعتی ایران است . مصنوعات مهمش عبارتند از قالیهای اعلی
پارچه های پشمی و ابریشمی . ظروف برنجی .

از توابع معروف زرند . رفسنجان . (که کرسی آن بهرام آباد نام
دارد) نرمادیر . (هر کرش به است) جیرفت . سیرجان . (مرکرش
سعید آباد است) شهداد . (خیص سابق) اقطاع (مرکرش بافت است).
از مشاهیر رجال کرمان «اوحدی کرمانی» و «احمد بن حامد»
نویسنده کتاب عقد العلی را باید بخاطر سپرد .

از نقاط تاریخی کرمان قریه «ماهان» است که مسکن جمعی از دراویش نعمتاللهی و آرامگاه شاه نعمت الله ولی است.

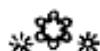


بلوچستان

«بلوچستان» بدو قسمت تقسیم میشود :

۱ - قسمت کوهستانی شمالی که آب و هوایش تاحدی معتدل است. این قسمت با آنکه دارای آب و هوای معتدل و زمینی حاصلخیز است مردمی فقیر و بی بضاعت دارد و غالبا از گله داری گذران میکنند .
۲ - قسمت جلگه پست جنوبی که آنرا از قدیم «مکران» میخوانند . اهالی مکران از راه صید ماهی اعاشه میکنند و بیشتر آبادیهای این ناحیه قلعه هائی است که سابقا آنها را برای دفاع از مردم جنگجوی مسلح اطراف ساخته اند .

(قسمت شرقی کرمان و بلوچستان و زابل را امروز بنام ایالت مکران میخوانند .



شهر های مهم این قسمت عبارتند از : ایرانشهر (بمپور سابق) . سرباز . مکس . قصر قند . باهو کلات .



کرمان و بلوچستان رویهم رفته آب و هوایی ناسازگار دارند . در تاریخ مضبوط است هنگامیکه اسکندر مقدونیه از پنجاب مراجعت

میکرد ضمن عبور از این ایالت در اثر بدی آب و هوا قسمت اعظم لشکر یانش تلف گردید.

۸ - خراسان و سیستان

خراسان و سیستان از شمال کرمان تا اطراف جلگه توران امتداد دارد از مشرق بافغانستان و از غرب بعراق عجم و استرآباد محدودی شود. مهمترین کوههای خراسان عبارتند از جبال آلاداع. آلاداع از بجنورد تا نیشابور امتداد دارد. کوه آهنگران. کوه کمریند. کوه الله اکبر. کوه بینالود کوه سنگ دختر. جبال باخرز و بالاخره کوه هزار مسجد واقع در مشرق قوچان :

مهمترین رودهای خراسان عبارتند از «کشف رود» که پس از عبور از خاک طوس برود تجن وارد میگردد. تجن دنباله هر برود است. هر برود از افغانستان سرچشم میگیرد. رود «جام» که پس از عبور از تربت شیخ جام به برود ملحق میگردد. رود «شیرین» که از کوههای آلاداع بجانب بجنورد سرازیر میشود.

هیرمند یا هیلمند له پرآب ترین رودخانهای فلات ایران بشمار می رود در سیستان جاری است و فقط قسمتی از آن مجاور سرحد ایران است.

اوپاوع سیاسی و تقسیمات حکومتی . والی نشین خراسان مشهد نام دارد. مشهد آرامگاه و مرقد منور حضرت علی بن موسی-الرضا علیه السلام است و از همین رو زیارتگاه مسلمین دنیا و بالاخص شیعیان میباشد .

سایر ولایات معروف خراسان عبارتند از « سبزوار » مرکزش نیز سبزوار نام (۱) دارد - « قوچان » که مرکز کردهای زعفرانلو است. حاکم نشین قوچان نیز بهمن نام معروف است و از توابع مشهورش شIROان و باجگیران میباشد (۲) - « جام » که مرکزش تربت شیخ جام و از ضمایمش (باخرز) قابل ذکر است.

نیشابور - که مرکزش بهمن نام موسوم است - « بجنورد » که شهر معروفش « اسفراین » در سر راه سبزوار قرار دارد . بجنورد مرکز کردهای شادلو است .

طبس که در وسط کویر قرار گرفته و مرکب از سه ناحیه فردوس (۳) و گلشن و بشرویه است - خواف - دره جز یا دره گر که مرکزش محمدآباد است واقع در مغرب کلات - بجستان - گن آباد - کاشمر (که اسم قدیم آن نرشیز است)

قائنات که در مشرق بافغانستان متصل میشود (مرکزش بیرجند)
قصبات معروفش عبارتند از « سنی خانه - نه - بندان »

سیستان که عربها آنرا « سجستان » میخوانند و اسم دیگرش « نیروز » است قسمتی است بطول ۶ فرسخ و سر زمینی است حاصلخیز که بواسطه رود « هیرمند » مشروب میشود .

در سالهای اخیر از « زاهدان » سیستان (دزداب سابق) تا مشهد
جاده شوشه ساخته اند و از اینراه عبور و مرور مسافرین و حمل و نقل
مال التجاره خیلی آسان شده است . حاکم نشین سیستان « زابل » نام دارد

۱) در قدیم سبزوار را بیهق میگفتند ۲) سابق قوچان را خوشان میخوانند

۳) تون سابق

(زابل را سابقاً نصرت آباد میخواندند) - یکی دیگر از نقاط مهم سیستان « Zahidan » است که منتهای الیه راه آهن بلوچستان میباشد.

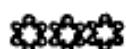
سیستان زمستانی معتمد و تابستانی بسیار گرم و ناسازگار دارد.

مهمنترین دریاچه های سیستان « هامون » نام دارد. اطراف این دریاچه باطلاوهایی است که عموماً مسکن حشرات موذیه هستند.



خراسان در تاریخ سیاسی و ادبی ایران مقامی ارجمند دارد. موطن اصلی فردوسی . اسدی . خیام . عطار . انوری . بیهقی (نویسنده تاریخ مسعودی) عطاملک جوینی . حافظ ابرو . شیع جامی و از همه اینها بالاتر زنده کننده و نجات دهنده ایران از چنگ اجانب نادرشاه افشار میباشد.

نادرشاه اهل « ایورد » است و در قوچان کشته شد. ایورد امروز جزء روسيه است سابقاً خراسان بیشتر اوقات در معرض تاخت و تاز از بکان و تورانیان بود و بد بخت اهالی این ناحیه در انر جنگهای با این طوایف کمتر روی خوش و زندگی راحت داشتند. حتی تا این اوآخر هم گرفتار حملات ترکمنها بودند.



خراسان یکی از ولایات پرثروت و محصولات عمدی اش عبارتند از غلات . میوه های مختلف . پنبه . برک بجستانی . قالیهای ممتاز .

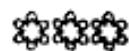
۹ - گرگان

گرگان که سابقاً آنرا استرآباد میگفتند ناحیه‌ای است واقع بین خراسان

و عراق عجم و مازندران و دریایی خزر .

قسمت شمالی این ولایت که بین گرگان و اترک قرار دارد جلگه ایست حاصلخیز . دنباله این جلگه بجلگه های مازندران منتهی میشود ناحیه شرقی و جنوبی این ولایت کوهستان است بین گرگان و شاهرود جبال «شاه کوه» قرار دارد .

رودهای مهم این ولایت عبارتند از اترک . گرگان رود حاکم نشین این ولایت نیز بهمین نام خوانده میشود و سایر شهرهای معروفش عبارتند از گنبد قابوس (که مقبره قابوس بن وشمگیر در آنجا است) فندرسک - پهلوی دژ (سابقاً آنرا آق قلعه میخواندند) بندر گز گمش تپه . خواجه نفس .



در اطراف این ولایت سابقاً برج و باروی بسیاری برای جلوگیری از وحشیان شمالی ساخته بودند .

صنعت مهم اهالی این ولایت نمد مالی و نساجی و صابون پر است

۱۰ - مازندران

مازندران ولایتی است که از شمال بدریایی خزر و از مغرب به گیلان و از شرق به گرگان و از جنوب بعراق عجم محدود می شود . ناحیه شمالی آن جلگه حاصلخیز وسیعی است که بوسیله رودخانه های متعدد مشروب می گردد .

جبال مازندران عموماً متفرعات قله البرزند - بلند ترین قله های

این کوهها دیویند است (دیو بند همان دماوند است) و پس از دماوند
آزادکوه ارفع قلل البرز بشمار میرود

دیگر از کوههای مازندران جبال فیروز کوه . لاریجان و سواد
کوه و سیاه کوه را باید در نظر سپرد .

رودهای مهم مازندران عبارتند از هراز که از آمل میگذرد تجن
نیکا . چالوس که در تنکابن جاری است . بابل

مرکز مازندران ساری است که در مغرب رود تجن واقع شده .

ساختمان شهر های معروف مازندران عبارتند از بابل « بارفروش قدیم » که
در کنوار بابل رود واقع است اشرف که از بنای شاه عباس کبیر است

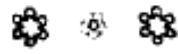
هزار جریب - نور - فرح آباد - محمود آباد - رامسر (سخت سر قدیم)

تنکابن که با کجور و کلارستان رویهم بمحال ثالث موسومند

قصبات مهم محل ثالث عبارتند از (شهرسوار . خرم آباد . کجور)

لاریجان قصبه مهمش « اسک » نام دارد و چشمه های آب معدن

فراوان دارد .



مازندران از حیث محصولات طبیعی و جنگلهای بسیار بسیار بسیار
پر ثروت ترین نقاط ایران است . محصولات عمده اش عبارتند از : چوبهای
قیمتی حنگل . برنج . مرکبات . در مازندران انواع و اقسام حیوانات
چهار پادیده هیشود .

از مشاهیر بزرگان و فضلاه مازندران محمد طبری (صاحب تاریخ
طبری) - محمد بن اسفندیار - صاحب تاریخ طبرستان و کتاب
مرزبان نامه را باید بنظر سپرد

هازندران از ولایاتی است که در تاریخ قدیم ایران بواسطه افسانه های بسیار از قبیل « حبس کیکاوس . سفر رستم . موضوع هفت خوان » اهمیت زیادی دارد . سلاطین ساسانی همیشه حکامی بنام اسپهبد با تفاوت لشگریان بسیار باینوایت میفرستادند و بذکهداری اینجا اهمیت زیادی دادند . این اسپهبدها بعد از ورود عرب بایران مدت‌های مديدة در هازندران بحکومت خود ادامه داده و سلسله اسپهبدان را تاسیس نمودند .

بعد از اسلام یک چندی هازندران را طبرستان می‌گفتند . طبری یا هازندرانی زبانی است مشتق از پهلوی و لغات فارسی خالص در آن بسیار دیده می‌شود و از فارسی معمول ها بزبان پهلوی خیلی بیشتر فردیک است

۱۱ - گیلان

گیلان ولایتی است واقع در کنار بحر خزر که از شمال بهمان دریا و از مغرب به اردبیل و از جنوب به الموت و از مشرق به هازندران محدود می‌شود .

گیلان سرزمینی است بسیار حاصلخیز و بواسطه پرآبی و رطوبت بسیار و جنگلهای انبوهای توان گفت در روی زمین کمتر نقطه نظیر گیلان وجود دارد .

رودهای گیلان عموماً شکل جویبار هارا دارند . خیلی کوتاه و بفاصله کمی یا بدریا میریزند و یاد را دابها فرو می‌روند . در مرداب‌اتزلی بتنهائی ۴۵ رودخانه وارد می‌شود (اتلی را امروز پهلوی خوانند)

مهمترین رودهای گیلان سفیدرود است که از مغرب ایران
به جانب گیلان سرازیر میشود. قسمتی از سفیدرود را که در گیلان
جاریست سابقاً قزل اوزن میخوانند
در اوستا گیلان را بنام وارنا ذکر میکنند.

سکنه گیلان بر دو قسمند: ۱ - جلگه نشینها که عموماً شهر
نشینند و از راه زراعت بر فوج و تربیت کرم ابریشم زندگی میکنند ۲ -
هردم کوهپایه ها که در دامنه کوهها مسکن نموده بچوپانی و تربیت
حیوانات اهلی اشتغال دارند - سکنه کوهستانی گیلان را معمولاً گالش
مینامند و گالشها بیشتر در جنگل زندگی میکنند و سایر اهالی این
ولایت را گیلک مینامند.

زبان گیلکی زبانی است مشتق از پهلوی. در گیلان جمع کثیری
از ارامنه نیز سکونت دارند. ارامنه گیلان از همان اراهنه هستند که
شاه عباس کبیر بداخله ایران کوچ داد.

مرکز گیلان رشت است. رشت شهری است واقع در جنوب
مرداب آذلی. مرداب آزلی باریکهایست که بین ساحل گیلان و دو قسمت
خشگی تشکیل شده و آنرا مرداب پیوه بازار نیز خوانند - جمعیت گیلان
متجاوز از نیم میلیون است. مهمترین محل گیلان عبارتند از لاهیجان
که کرسی آن نیز بهمین نام است.

رودبار. کسگر. هشتگرد. رانکوه (که مرکز آن لنگرود است) گالش.
شهر های مهم گیلان پس از رشت عبارتند از لاهیجان. لنگرود
فومن. بندر پهلوی. منجیدل. شفت. کسگر. حسن قلعه. ماسوله.
رودسر. جمعه بازار.

❀❀❀

محصول عمده گیلان برنج است که در سال تقریباً متجاوز از ۲۰۰ میلیون کیلو گرم برنج حاصل می‌نماید و پس از برنج ابریشم می باشد . ابریشم‌های گیلان یکی از بهترین ابریشم‌های دنیا است پس از ابریشم محصول عمده گیلان توتون سینگار است که از سال ۱۲۹۴ قمری زراعت آن در این ولايت معمول شده . چهارمین محصول عمده گیلان چای است که از سال ۱۳۲۳ هجری قمری در این ولايت زراعت آن متداول گردیده . سایر محصولات عمده گیلان عبارتند از هر کبات . نیل . زیتون غلات . پنبه . کتان .

طیور مختلفه و اقسام ماهیها در گیلان و سواحل آن موجود است ماهیهای گیلان عموماً سفید هستند
❀❀❀

در قدیم ولايات ساحلی بحر خزر را مسلمین دارالمرز میخواندند مرز در زبان فارسی بمعنای سرحد است .

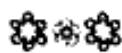
دارالمرز یعنی زمین سر حدی و چون این ولايات متصرفات عرب را بخود محدود میکردن آنها را باین نام میخوانندند

۱۲ - عراق عجم

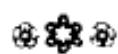
عراق عجم از شمال محدود است به گیلان و مازندران . از جنوب بفارس و کرمان . از مشرق بخراسان . از مغرب به لرستان و کرستان . کوههای عراق عجم بهیچوجه با جیال غربی و شمالی و شرقی این مملکت قابل مقایسه نیستند .

سلسله شمالی عراق عجم البرز است که از حدود شرقی آذربایجان
شروع و بکوههای خراسان متصل میگردد.
بلند ترین قله های البرز «دماؤند» است که بلندترین کوههای ایران
بشمار هیروند ۵۶۷۰ متر ارتفاع دارد.

رشته های مرکزی عراق عجم عموماً تابلو چستان پیش هیرون و معروف
ترین آنها عبارتند از پیش کوه . شیر کوه (دریزد) زرد کوه . اشتران کوه .
کرکس بارتفاع ۴۰۰۰ متر (در کاشان).



غالب رودهای عراق عجم در ریگزارها و باطلاقهای داخلی فرو
میرونند - رودهای مهم عراق عجم عبارتند از هزار که از شمال تهران سرچشمه
میگیرند و پس از اتصال به رود خانه لار بدریایی هازندران وارد میگردد .
ساختمان رودخانه های عراق عجم عبارتند از رود کوج . رود شور
(از نزدیک سلطانیه زنجان سرچشمه میگیرد) رود کن (از دامنه البرز
سرچشمه میگیرد) . زاینده رود (از زرد کوه بختیاری سرچشمه میگیرد
و بمرداد گاو خونی فرو میروند) . قره سو (که در خاک قم جاری است)



ولایات عمدۀ عراق عجم عبارتند از :

۱ - تهران

تهران قبل از تأسیس سلسله قاجاریه چندان اهمیتی نداشت
سابقاً قریه بیش نبوده و آنرا بنام قه ران و قیران ذکر میگردند آغا
محمد خان قاجار هنگامیکه بر زندیه غلبه نمود برای آنکه بوطن اصلیش
استر اباد نزدیک باشد آنجارا پایتخت قرار داد و از این تاریخ بعده تهران

رو بآبادی رفت و بتدریج دارای ابنيه و خیابانهای وسیعی گردید. تهران در نزدیکی خرابه‌های «ری» است. ری یکی از بلاد قدیم و آباد ایران بود و سابقاً در ریف شهرهای درجه‌اول دنیا بشمار میرفت. ری باندازه‌ای قدیم است که در دو کتاب آسمانی تورات و اوستا آنرا بنام «راجا و راگا» نام برده‌اند در ری برج عظیمی است که علی التحقیق مقبره‌یکی از سلاطین بوده ولی با آنکه این برج امروز بنام «برج طغرل» معروف است نمیتوان یقین حاصل کرد که مقبره کدام پادشاه است محققین بین طغرل اول و فخرالدوله دیلمی تردید دارند - ری مولد جمعی از بزرگان ایران است از آنجمله ابویکر بن محمد ذکریای رازی که از بزرگان اطباء و علمای شیعی است و در زمان عضدادوله دیلمی رئیس بیمارستان بغداد بوده . ذکریای رازی یکی از مفاخر بزرگ ایران بشمار می‌رود و عکس اورا امروز در مدرسه عالی طب پاریس در رأس تصاویر کلیه اطبای دنیا قرار داده‌اند ذکریای رازی کاشف الكل $\text{C}_2\text{H}_5\text{OH}$ و (جوهر گوگرد) SO_4H_2 بوده دیگر از بزرگان اهل ری غصائی رازی و بالاخره حکیم بزرگ قرن ششم «امام فخر رازی و کسانی نحوی است .

در زمان ناصر الدین شاه دور تهران خندقی حفر کردند و این خندق تا چندی قبل باقی بود . در دوره عظمت فعلی که از هو طرف تهران بزرگ و دارای عمارت‌های مجلل و متعدد شده خندقهای مزبور را پر و مقدار زیادی از اراضی بیرون شهر را ضمیمه نموده‌اند . تهران امروز دارای خیابانهای بزرگ و اسفالتی است . عمارت‌های ابنيه جدیدالبنای این شهر با پایتختهای اروپا برابری ورقابت مینماید . تهران دارای باغهای متعدد عمومی است که

گردشکاه مردم میباشد مانند باغ ملی و باغ فردوس . تهران دارای دبستانها و دبیرستانها و دانشکده های بسیاری است که در هریک از آنها جمع کثیری از نوباوگان و جوانان مشغول تحصیل هستند تهران مرکز دانشکاه ایران است و بنای عمارت دانشکاه ایران را دو سال قبل در دو کیلومتری تهران بنما نهاده اند . تهران دارای کارخانه های متعدد چرم سازی . برق . فندرسازی و قالی بافی است - تهران دارای شرکتها و دارالتجاره های عمده است مراکز عمده بانگهای ایران (بانک ملی . شاهنشاهی . عثمانی . پهلوی . فلاحتی عموماً در تهران قرار دارند .

تهران پایتخت کشور ایران است محل اقامت دائمی «اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و محل انعقاد مجلس شورای ملی . مقر هیئت دولت . قوه قضائیه و سفارتخانهای خارجی مقیم دربار شاهنشاهی است . تهران مطابع عمده و کتابخانه های بزرگ و مطبوعات آبرومند بسیاری دارد .

معروفترین و بزرگترین کتابخانه های تهران کتابخانه سلطنتی . کتابخانه مجلس شورای ملی . کتابخانه دانشکده معقول و منقول . کتابخانه شخصی ملک کتابخانه عمومی معارف میباشد .
توابع عمده تهران از اینقرارند :

۱ - **شهران** : بیلاق مخصوصی است از تهران قراء و قصبات آن عبارتند از تجریش دربند . نیاوران . دزاشوب . ونك . اوین . قلهک . زرگنده و غیره .

شیمران دارای آب و اشجار فراوان است . هوای شمیرانات خوب و

مطبوع است بحدی که گفته اند شمیران در اصل شمع ایران بوده است.

۲ - **لواسانات** که رودخانه جا جرود غالب نقاط این ناحیه را مشروب می کند. قریه معروفش «افجه» نام دارد.

۳ - **رودبار** که در دامنه شمالی و سلسله توچال قرار دارد. سرچشمه و منبع اصلی رودکرج و رودجایرود در این سر زمین قرار دارد.

۴ - **دماؤند** که در شمال شرقی طهران واقع است. در غالب نقاط دماوند گوگرد و چشمeh های آب معدنی دیده میشود. محصول عمده دماوند سیب و قیسی است.

۵ - **ساوجبلاغ**. از جلگه های حاصلخیز اطراف تهران است و بواسطه رود کردان و شعب کرج مشروب میشود. قصبات مهمش «کردان و اشتهراد» است.

۶ - **پشاپویه**. قریه مهمش قلعه محمد علیخان نام دارد.

۷ - **غار**. کرسی آن شاهزاده عبدالعظیم از نقاط حاصلخیز اطراف تهران است. حضرت عبدالعظیم علیه السلام در همین نقطه مدفون است و آرامگاه آن بزرگوار زیارتگاه عامه مسلمین است. قراء معتبر غار عبارتند از فیروز آباد و نجم آباد.

۸ - **لورا** لورا و شهرستانک در شمال غربی تهران بین رودبار و طالقان قرار گرفته. مرکز شهرستانک دامنه کوه البرز قرار دارد.

۹ - **کن و سولقان** - کرسی آن کن و قراء معتبرش سولقان و امامزاده داود است.

۱۰ - **النگه** یا ارنگه که قسمت عمده اش کوهستانی و قریه معتبری ندارد.

- ۱۱ - شهریار که از نقاط بدآب و هوای اطراف طهران است . قراء
عمده آن کرشه . علی شاه عوض . رباط کریم است
- ۱۲ - خوار در جنوب شرقی طهران قرار دارد و چون مجاور کویر
لوت است غالب نقاط آن بدآب و هواست قراء معروفش عبارتند از :
قشلاق - ایوان کی - ارادان
- ۱۳ - ورامین . از بلوک فوق العاده حاصلخیز ایران است . قراء
و قصبات عمده آن عبارتند از : شهر ورامین . امامزاده جعفر



۲ - قم

قم در جنوب طهران واقع شده . بنای قم مربوط به مان عباسیان است .
امروز قم و غیر جنبه مذهبی اهمیت دیگری ندارد قم مرقد مطهر
حضرت معصومه (فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام است) - قم
جمعیت ثابتی ندارد زیرا هر روز جمع کثیری زوار باین شهر وارد خارج
میکردند بهمین نظر جمعیت قم بحدی مخلوط است که میتوان گفت از
هر شهر شیعه مذهب نماینده در قم حضور دارد - از مصنوعات مهم قم
شیشه گری . حلويات . صابون سازی . ظروف گلی آن قابل ذکر است
تواجع مهم قم عبارتند از اردنهال . خلجستان . جاسب که سابقاً محل
آتشکده بزرگی بوده است

۳ - قزوین

قزوین از شمال به مازندران و از جنوب به مدان و از مغرب به

خمسه و از هشتران بظهوران محدود میشود. قزوین در زمان صفویه پایتخت ایران بوده.

زراعت عمده قزوین دیمی است. بلوک معتبر قزوین عبارتند از : ابهر «۱» زهرا . طالقان . روبار. الموت «۲» تا کستانها و باغات قزوین معروف است. شراب قزوین شهرت کاملی دارد

۴ - همدان

همدان ولایتی است کوهستانی واقع بین کرمانشاه و کردستان و قزوین و عراق - قله معروف اووند بارتفاع ۳۰۰۰ متر در جنوب غربی همدان قرار دارد. همدان از شهرهای تاریخی ایران است و در تاریخی خرابه‌های شهر آکباتان پایتخت مدیها بنا شده آکباتان یا آکباتانا یا امدانا یا هنگ متان به عنی محل اجتماع میباشد که بتدریج همدان شده است بلوک معتبر همدان عبارتنداز درجین . کبوتر آهنگ. سورین. که شراب آن مشهور است

جمعی از بزرگان ایران منسوب به همدانند یا آرامگاه ابدی آنان در این شهر دیده میشود مانند شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن سينا بخارائی مقبره شیخ الرئیس تا این اوآخر مخربه بوده و اخیراً آن را تعمیر و قرائتخانه‌ای بنام آن بزرگوار در جنوب آرامگاهش دائرنموده اند

- ۱ - ابهر از قرار معلوم همان ناحیه ورا میباشد که اهمیت تاریخی دارد و محل جنگ فرهاد چهارم با آتوان رویی است
- ۲ - سابقاً از فراء قزوین بشمار میرفت و مرکز حسن بن صباح رئیس اسماعیلیه بود

از رجال بزرگ همدان مرحوم سید جمال الدین اسد آبادی مشهور به افغان است که میتوان اورا از مردان نامی قرن اخیر ایران محسوب داشت. مرحوم اسد آبادی بگردن آزادی و مشروطیت ایران حق بزرگی دارد و حقا باید بیانات اورا یکی از علل عدمه نهضت آزادی خواهان بشمار آورد

۵ - ولایات ثلاث

ولایات ثلاث در جنوب همدان قرار دارد و عبارتنداز تویسرکان نهادند. دولت آباد مرکزش دولت آباد است باغات و تاکستانهای معتبری دارد نهادند از شهرهای تاریخی ایران است زیرا قاطعترین جنگهای ایران و عرب معروف به **فتح الفتوح** در این نقطه روی داده تویسرکان مرکب از دو قریه توی و سرکان است - محصول عدمه این ولایات لبنيات است.

۶ - سمنان و دامغان و بسطام

ولایاتی هستند که طهران را بخراسان مربوط میسازند. کرسی هر یک از این سه ولایت شهری جداگانه است که بنام خودشان معروف میباشد دامغان دارای اهمیتهای تاریخی است: ۱ - در نزدیکی همین شهر اسکندر به نقش داریوش رسید ۲ - این شهر در محل یکی از پایتختهای اشکانیای (هکاتوم پیلس. شهر صد دروازه) قرار دارد ۳ - باز در نزدیکی همین شهر در نقطه موسوم به مهمان دوست نادر شاه افعانها را شکست فاحشی داد

از قراء معروف سمنان سنگ سر و شهرزاد است

٧ - خمسه

خمسه در جنوب آذربایجان و مغرب قزوین قرار دارد. بلوک مهمش عبارتند از سلطانیه. شاهین دژ (صائز قلعه سابق) انگوران. طارم سفلی. بین ابهر و سلطانیه دشت وسیعی واقع دارد که سابقاً چمن باصفائی بوده و این قسمت را امروز هم چمن سلطانیه میگویند - در سلطانیه مقبره سلطان محمد خدا بندۀ پادشاه شیعه مذهب مغول قرار دارد حاکم نشین خمسه زنگان (زنگان) نام دارد

٨ - عراق

عراق ولایتی است در مشرق ارستان مرکز عراق سلطان آبدیا شهر نو میباشد. یوسفخان کرجی در عهد فتحعلیشاه قاجار آن را بنای کرده. عراق از ولایاتی است که مغرب ایران را به جنوب و شمال متصل میکند و بهمین نظر از قدیم اهمیتی بسزا داشته است. پس از وصول دو رشته راه آهن شمال و جنوب بهم قطعاً بمراتب براهمیت این شهر اضافه خواهد شد. عراق از ولایات صنعتی ایران است محصول و مصنوع عمده آن عبارت است از قالی و صابون و لبنتیات

جمعی از بزرگان ایران منسوب به راقند مانند میرزا تقی خان امیر کبیر. قائم مقام فراهانی. خواجه نصیر الدین طوسی که اصلاً اهل جهود واقع بین عراق و قم بوده. نظامی گنجوی که بنابر قول مشهور

از کوهستان اطراف قم و بلوک تفرش است (۱) - مرحوم میرزا یوسف خان مستوفی‌الملک و مرحوم میرزا حسن خان مستوفی‌الملک که اولی صدر اعظم دوره ناصری و دومی از کسانی است که در عصر مشروطیت بکرات رئیس وزراء ایران بوده و از رجال پاک‌دامن این دوره بشمار می‌رود - ولایات دیگر عراق بعد از سلطان آباد عبارتند از خلیجستان - کرار فراهان - کمره - تفرش

از توابع عراق محلات است که در جنوب شرقی سلطان آباد قرار دارد. شهر عمده آش خمین میباشد اکثر اهالی خمین اسماعیلی هستند آفاخان رئیس اسماعیلیه اهل این ولایت است. قصبات مهم محلات عبارتند از نراق - راونج

۹ - کاشان

کاشان در جنوب غربی قم و شمال اصفهان قرار دارد. بنابر قول مشهور زبده خاتون زن هارون الرشید آنرا بنادر کرده. کاشان از شهرهای گرم و بدآب و هوای ایران است. بواسطه قدیمی بودن بناهای شهر و گرمی هوا مرکز حیوانات مودی است غرب کاشان بین مردم ضرب المثل است توابع کاشان عبارتند از نطنز که گلابی آن معروف است - قمصر که

گلاش معروف است - جوشقان که فرشهای مرغوبی دارد . از قراء کاشان باعث فین است که اهمیت تاریخی دارد زیرا ناصر الدین شاه در همین نقطه با قتل

(۱) خود نظامی فرماید : چو در شهر گرجه در گنجه گم - ولی از فهستان شهر فم - به تفرش دهی هست **قا** نام او - نظامی از آنجا شده نامجو

مرحوم امیر کبیر خاک ذلت بر سر خود و ترقی خواهان ایران ریخت
از رجال معروف کاشان فتحعلیخان صبا ملقب بملک‌الشعر او محمد
خان ملک‌الشعر قابل ذکر ند
صنواعات مهم کاشان عبارتند از، پارچه‌های ابریشمی، مسگری

۱- یزد

یزد ولایتی است در مشرق اصفهان و مغرب کویر لوت. حاکم
نشین این ولایت یزد است
توابع یزد عبارتند از عقدا - تفت - اردhan - هیبد - بافق «۱» نائین
از بزرگان یزد یکی وحشی شاعر شوریده ایران است که اهل بافق
بوده یکی دیگر از بزرگان یزد مرحوم نصرالله‌خان مشیرالدوله صدر اعظم
دوره مشروطیت ایران و فرزندش مرحوم حسن پیرنیا ملقب به مشیرالدوله
نویسنده تاریخ پیرنیا است

یزد از شهرهای صنعتی ایران است پارچه‌های پنبه و ابریشمی یزد
معروف و تربیت کرم ابریشم در این ولایت معمول است و بیشتر بدنست
پارسیان یزد بعمل می‌آید

جندق و بیابانک در شمال یزد قرار دارند آب و هوایی بی‌نهایت
خشک و گرم دارد. زندگی اهالی این ناحیه از شترداریست مرکز قصبه
جندق است و می‌حصول عمدۀ اش انقوزه می‌باشد

«۱» بافق که امروز جزء یزد بشمار می‌رود سابقاً و در اصل از توابع
کرمان بوده و به مناسبت وحشی را کرمانها کرمانی و یزدیها یزدانند

۱۱ - زرند و ساوه

زرند و ساوه پشت سر یکدیگر بین تهران و همدان و عراق و قزوین قرار گرفته اند. انار ساوه و خربزه زرند در نهایت خوبی است و شهرت کاملی دارند. بین ساوه و تهران ساوه و عراق بسیاری از ابنيه و کار و اسراهای شاه عباس وجود دارد.

حاکم نشین زرند نیز بهمین نام است. از بزرگان ساوه سلمان ساوجی دانباید فراموش کرد

۱۲ - گلپایگان و خونسار

بین کرمانشاه و اصفهان واقع شده اند گلپایگان مردمی با هوش دارد. منبت کاری گلپایگان و گز خونسار شهرت کاملی دارد

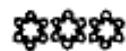
۱۳ - اصفهان

بعد از تهران اصفهان بزرگترین و مهمترین شهرهای عراق عجم است از شمال متصل است بکاشان و از مشرق به یزد و از جنوب بفارس-حاکم نشین اصفهان شهر اصفهان است. اصفهان هوايش بلطفافت و اعتدال معروف است و بتحقیق دست توانای طبیعت هیچ چیز خودرا از مردم زرنک و زیرک اصفهان دریغ نداشته از قدیم عروس شهرهای ایران بوده و آن را نیمه جهان خوانده اند امروزیش از صد هزار نفر جمعیت ندارد ولی جمعیت قدیم اصفهان را تا یک میلیون نفر هم نوشه اند. اصفهان در عهد دیالمه سلاجقه. صفویه خیلی اهمیت داشته و سلاطین مهم این سلسله هر یک بندهای

از خود بیادگار در اصفهان گذاشته اند از قبیل جامع عتیق از بناهای ملکشاه سلجوقی-جامع عباسی معروف بمسجد شاه از بناهای شاه عباس کبیر که ۱۱۵۰ قدم طول و ۲۹۵ قدم عرض دارد-مسجد شیخ لطف الله-مدرسه سلطانی از بناهای شاه سلطان حسین-مدرسه صدر از بناهای محمد حسینخان صدر اعظم-عمارت هشت بهشت-چهل ستون از بناهای شاه عباس کبیر مسجد حکیم از بناهای حکیم داود طبیب شاه عباس-اصفهانیها آب مشروب خود را از چاهها بدست میاورند و آب زاینده رو درا بمصرف ذراعه میرسانند.

توابع معروف اصفهان عبارتند از :

جلفا که ارامنه مهاجر آزا با مر و کمل شاه عباس کبیر بنا کرده اند و کلیساي معروفی دارد-شهرضا که سابقاً قمشه نام داشته است (۱) چهارمحال - نجف آباد - ابرقو - فریدن - کوهپایه



اصفهان از شهرهای صنعتی ایران است. مردمی ذکری و باهوش دارد مردم اصفهان از قدیم و زمانیکه در سایر شهرهای این کشور اسمی از هنر و صنعت نبود غالب مصنوعات اروپائی را تقلید میکردند و بخوبی از عهده بر میآمدند. سماورهای روسی و تفنگهای اروپائی را بعand خود اروپائیها تهیه مینمودند - در چند سال اخیر اهالی اصفهان بتاسیس کارخانه های بسیار همت گماشته‌اند قدمترين و معروفترین کارخانه های

(۱) قمشه در اصل کوهش بوده و کوهش یعنی کینگاه و شکارگاه شاه زیرا این نقطه شکارهای خوبی دارد و در قدیم شکارگاه سلاطین صفویه بوده است .

ریسندگی و بافندگی ایران کارخانه وطن میباشد که موسس آنمرحوم حاجی محمد حسین کازرونی است. این کارخانه امروز پتوهای خوب و پارچه های اعلی تهیه و بیرون میدهد. این کارخانه امروز ایرانیان را از منسوجات بدگاهه مستغنى و بی نیاز نموده است.

اخیرا جمعی از اهالی اصفهان بتاسیس کارخانه کاغذ سازی نیز اقدام کرده اند و انشاء اللہ تعالیٰ کی دو سال دیگر باندازه مصرف و بحد لزوم بتوانیم خودمان کاغذ در داخله کشور تهیه کنیم

اوپرای اقتصادی کشور ایران

جغرافیای اقتصادی هر کشور از فلاحت . حیوانات . صنعت . تجارت طرق ارتباطیه آن کشور بحث می نماید

اوپرای فلاحتی ایران - ایران از نظر اوپرای زراعتی یکی از ممالک پر ثروت دنیاست . ایران در منطقه معتدله قرار دارد و خاکس حاصلخیز است و هر گاه هوایش خشک نبود و کمی بیش از این آب میداشت در روی زمین بلانظیر بود

نباتات ایران را بچندین دسته تقسیم می کنیم : نباتات غذائی -

صنعتی - تفننی - گلهای مختلف - درختهای باغها - جنگلها

نباتات غذائی ایران عبارتند از مرکبات - میوه ها - غلات - برنج -

انگور -

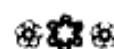
مرکبات ایران بیشتر در سواحل جنوب و مازندران و گیلان

بعمل می آید. قسمتی از مرکبات را از خارج با ایران آورده اند وطن اصلی بقیه ایران است: لیمو و لیمو ترش و نارنج از اول در خود ایران بعمل آمده و از این کشور آنها را بجا های دیگر برده اند - لیمو در اصل لیمون بوده و امروز در غالب السنه اروپائی آنرا بهمین نام خوانند - نارنج را از این مملکت باروپا برده اند و لفظ ارانچ نیز از نارنج گرفته شده. لیمو ترش را اروپائیها در اصطلاح طبی سیتروس مدیکا گویند یعنی سبب مدد

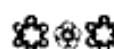
میوه ها - میوه های عمدۀ ایران عبارتند از سیب - زرد آلو - انجیر - شلیل (که انگلیسی آن نکتارین از فارسی اخذ شده و اصل آن نیکترین یعنی بهترین میوه هاست) پسته - گردو. بادام - فندق. هلو که از ایران آنرا بروسیه و از آنجا بجا های دیگر برده اند و روسی آن پروسیک است یعنی میوه مخصوص ایران

ایران هر سال مقدار زیادی از میوه های خود را بخارجه و مخصوصاً بروسیه میفروشد

غلات عمدۀ ایران عبارت از گندم و جو است که در جلگه های ورامین و خمسه و ساوه بلاغ و کرمانشاه و عراق و اصفهان و سیستان و سایر بلاد این کشور بعمل می آید

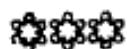


برنج بیشتر در گیلان و مازندران و اصفهان و ورامین زراعت می شود.



انگور که در غالب شهر های ایران بعمل می آید. در چندین شهر

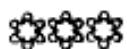
از شهرهای مهم که انگور خوب و فروان دارد از آن شراب تهیه میکنند و مراکز عمده شراب سازی ایران و شرابهای خوب عبارتند از خلر شیراز . جلفای اصفهان . قزوین . شورین همدان . رضائیه آذربایجان .



خرما در نواحی گرمسیر مانند خوزستان و اطراف خلیج فارس و واحات کبیر بعمل می آید

نباتات صنعتی و طبی ایران عبارتند از گیاههایی که در رنگ قالیها و نسج پارچه‌های مختلف و معالجات طبی بکار میبرند مانند : پنبه (در مازندران . قم . اصفهان - عراق . کرمان .)

روناس (در آذربایجان و اصفهان و بزد) کمتر اکه آنرا از ریشه‌گون میگیرند (در خراسان . کرمان . کوه کیلویه) ترنجیین در خونسار و فریدن .



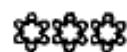
نباتات تغذی آنهایی هستند که انسان آنها را برای کیف بکار میبرد مانند انواع و اقسام توتونها . تریاک . چای

زراعت توتون سیگار در گیلان اهمیت کلی دارد - تنباکوی فارس و کاشان و رضائیه و طبس بسیار ممتاز است - تریاک در بسیاری از نقاط این کشور مخصوصاً بزد و خراسان و اصفهان فراوان است چای که زراعت آن از اوائل سلطنت مظفر الدین شاه در لاهیجان شروع شده است .

گلها - انواع و اقسام گلهای مختلف زنبق . یاس گل سرخ .

هریم . سنبل . بنفسه و نرگس در بیشتر نقاط ایران وجود دارد . در غالب نواحی این کشور این گلها بشکل طبیعی میرویند
مانند فارس و هزاردران - یاس ایران را اروپائیان خیلی دوست دارند و
ونرگس را که لاتینی آن فارگیوس است از ایران به اروپا برده اند

درختهای بید و سرو و کاج و چنار و صنوبر در بیشتر نقاط ایران
بشکل جنگلهای بزرگ وجود دارند .



جنگلهای ایران - جنگلهای ایران بیشتر در نواحی دریای شمال و مغرب
واقع شده اند و در نجاری و تلطیف هوای ایران تاثیر کلی دارند .

حیوانات: چون ایران آب و هوای مختلف دارد و بیانات آن
در تمام نقاط یکسان نیست حیواناتش هم مختلف میباشد . حیوانات اهلی
عبارتند از اسب . قاطر . شتر . خر . گاو . گوسفند
اسب ایرانی در تمام مشرق زمین برجایت مشهور است اسبهای
ایران بر سه قسمند : اسبهای ترکمن . اسبهای عربی که در جنوب و سواحل
خلیج فارس آنها را تربیت میکنند . اسبهای ایرانی که از اختلاط آن دو
جنس بعمل آمده

شتر که بران قطع کویر شرقی این کشور بهترین وسیله است .
ایران طیور مختلف دارد مانند ماکیان . بوقلمون . قاز . اردک .
کبک . تیهو . کبوتر و قرقاول .

سنک و نفت است.

زغال سنک در آنازو نی، انگلستان، آلمان، فرانسه، بلژیک، چک اسلواک، چین و ژاپن استخراج می شود.

نفت در آنازو نی - مکزیک - روسیه - ونزوئلا - ایران - رومانی هند هلند بیشتر از ممالک دیگر استخراج می شود. از نفت مواد دیگری نیز استخراج می شود که برخی از آنها اکنون اهمیت فوق العاده پیدا کرده هستند بنزین و قیر.

زغال و نفت در غائب ممالک روی زمین موجود است و امروز اساس روابطهای سیاسی دنیا بر این دو پایه قرار گرفته است زیرا احتیاج روز افزون کارخانه ها بسوخت و تاثیر نفت و بنزین در کارهای نظامی این دو ماده را بسیار جمیع ساخته است قوه آبشار ها و جزر و مدن که در برخی از ممالک کوهستانی و ساحلی مورد استفاده صنعتی قرار داده اند هنوز نمیتواند خامن پیشرفت روز افزون صنعت گردد، بنابراین مادامی که نیروی دیگری جاشین نیروی سوخت نفت و زغال نگردد این اهمیت در نتیجه آن روابطهای سیاسی دنیا باقی خواهد ماند.

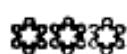
صنایع - پس از استخراج و فراهم آوردن مواد اولیه که بکار صنعت می خورد کارخانه ها بکار می افتد و صنعت بمعنی اصلی ترقی می شماشد: صنایع معروف عبارت است از فلز کاری - بافندگی - شبیه ای - ساخته ای - غذائی - فرعی -

فلز کاری - در انگلستان و آلمان و آنازو نی و فرانسه و چک اسلواک و ژاپن و روسیه رونقی تام دارد.

ر ا باستخراج و استفاده از این منابع ثروت خدا داد ایران دعوت نمود است.
معدن عمدی ایران عبارتند از: زغال سنگ. نفت. گل سرخ.
فیروزه. گوگرد. مس. آهن. نمک. طلا نقره. سنگ مرمر. سرب وغیره

* * *

گرچه هنوز قسمت اعظم معدن نفت ایران استخراج نشده معهداً
ایران از نظر نفت درجه چهارم را در دنیا دارد (پس از اتازونی.
قفقاز. رومانی) معدن نفت ایران بشهادت متخصصین و مسافرین اروپائی
بهترین معدن نفت دنیا است و امتیاز آن باین است که چاهه‌ای کم
عمق مقدار زیادی نفت میدهد و باینجهت استخراج باسانی صورت میگیرد



امتیاز استخراج نفت ایران که سابقاً داده شده بود و بنفع کشور نبود
در چندی قبل لغو و بر حسب امر و اراده اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
در مواد آن تجدید نظر کاملی بنفع ایران بعمل آمد.

چشمه‌های آب گرم معدنی دربیستر نقاط ایران وجود دارد
مانند اطراف دماوند. تنکابن. نور لاریجان. شهرود. کرمان.
حوالی کوههای سبلان و سهند. کردستان.

صنايع

در غالب شهرهای ایران هانند اصفهان و یزد صنایع یدی از
قدیم معمول بوده. صنعتی که در غالب شهرهای ایران متداول و
یکی از ارقام مهم صادره این‌ملکت را تشکیل میدهد قالی بافی است.

قلمکارهای اصفهان و بیزد مشتری زیادی دارد . از چند سال قبل
باينطرف که دوره عظمت ایران از هر حیث تجدید شده کارخانه های
بسیاری جدیداً در غالب نقاط مهم این کشور دائر گردیده . کارخانه
های عمده ایران عبارتند از : قند سازی . کبریت سازی . چرم سازی .
برق . حریر بافی . ریسمان بافی . پارچه بافی . صابون سازی .
سمیمان سازی .

تجارت

معاملات عمده ایران بیشتر با دول هم جوار و ژاپنیها و آلمانهاست .
بنادر عمده تجاری ایران عبارتند از بندر پهلوی . آستانه . بندر جز .
بندر شاه . بندر بوشهر . بندر عباس . جاسک . خرم شهر .
مهمنترین مال التجاره های واردہ ایران عبارتند از منسوجات .
چای . اتو مبیل . نفت . بنزین . اشیاء خرازی . کبریت . قند .
صادرات مهم ایران عبارتند از نفت - پنبه . برنج . قالیهای اعلی .
کتیرا . روغنها ایکه از نفت بدست می آید . پوست .

✿✿✿✿✿

در اثر تأسیس کارخانه ایکه فوقاً بدانها اشاره شد هر روز خوشبختانه
از واردات مملکت کاسته می شود و امید قریب بقطع آنکه تا چندی دیگر
بكلی از مصنوعات اجانب بی نیاز گردد

وسائل حمل و نقل

سابقاً یگانه وسیله حمل و نقل مال التجاره و مسافرین این کشور

حیوانات بارکش بودند ولی امروز ایران باوضع محیرالعقول و سرعت
تامی در قسمت ساختمان راههای متعدد مختلف پیشرفت نموده است.
وسائل ارتباطیه امروز ایران عبارتند از راههای آهنی . راههای
کشتی رانی - جاده های شسده . پست و تلگراف . راههاییکه ایران را با
مالک خارجی مربوط میکند عبارتند از راهی که ایران را ۱ -
بجلفا ۲ - به باجگیران ۳ - بدریای شمال وصل میکند (از شمال) . از جانب
جنوب ایران بوسیله بنادر خلیج فارس و ناو های تجاری با خارج مربوط میشود .
از مغرب ایران بوسیله دور ام بخارج دارد :

- ۱ - راهی است که از اصفهان شروع شده با هواز و خر مشهر منتهی میگردد
- ۲ - راهی است که بوسیله بایزید به طرابوزان منتهی میگردد
- ۳ - از مشرق نیز ایران دو راه دارد : ۱ - راهیکه از تربت حیدری
با فغانستان میرود ۲ - راهی که براهدان (دزداب سابق) ختم میشود
- ۴ - راه آهن - راه آهن های عمده ایران عبارتند از :
 - ۱ - راه آهن جلفا به تبریز که بر اههای قفقازیه منتهی میشود و
و شعبه از آن به شرفخانه میرود
 - ۲ - راه آهن بلوچستان که براهدان ختم میگردد و احتمال می
رود که این راه روزی به مشهد وصل گردد
 - ۳ - راه آهن ۱۴ کیلومتری بین پیره بازار و رشت
 - ۴ - راه آهن کوچک حضرت عبدالعظیم که تهران را بزاویه مقدسه
مربوط میسازد
 - ۵ - راه آهن سر تا سری ایران که از چند سال قبل بین طوف
با سرعت تامی شروع و پیشرفت کامل نموده . این راه بکطرف از بندرشاه

واقع در شمال ایران شروع شده از ساری گذشته و پس از عبور از تونل های بزرگ بفیروز کوه و تهران و سیده و رو بجنوب پیش میرود . و از سمت دیگر از جانب جنوب از بندر شاهپور شروع و پس از عبور از کوه های صعب العبور از خرم آباد گذشته رو بشمال میآید و با قاییدات الهی عنقریب این دو راه بهم خواهند رسید

راههای دریائی - ناو های بزرگ در شط العرب تا حوالی خرم شهر و رود کارون از خرمشهر تا ناصری و از اهواز تا نزدیکهای شوشتر پیش میرود . در دریاچه رضائیه نیز چندین ناو کوچک بخاری برای حمل مال التجاره و ارباباط سواحل بهم کار میگذند

راههای دریائی ایران دو قسمت است :

۱ - خلیج فارس - بنادر خلیج فارس عموما با تمام بنادر دنیا مخصوصاً انگلیس و هند بواسیله خطوط دریائی مربوط میشوند . بوشهر دارای دو لنگرگاه است یکی خارجی که در ۵ میلی فرار دارد و دیگری داخلی که در دو میلی واقع است

۲ - بحر خزر - در این قسمت سه خط منظم دریانوردی موجود است : ۱ -- بین پهلوی و باکو ۲ -- بین پهلوی و باکو . حاجی طرخان ۳ -- بین پهلوی و آستارا و باکو . بندر پهلوی از بنادر بسیار خوب بشمار میرود

پست و تلگراف و تلفن - خطوط پستی ایران رو به مرتفع در حدود ۲۲ هزار کیلومتر است که تمام شهرها و قصبات مهم را بهم مربوط میسازد - ایران مترازو از ۱۵ هزار کیلومتر خطوط تلگرافی دارد در غالب شهر های بزرگ ایران خطوط تلفن دائم است و بارتباط اهالی بلاد باهم کمک نموده

جاده های مهم : جاده های مهم ایران عبارتند از :

- ۱ - طرابوزان. تبریز
- ۲ - جلفا. تبریز
- ۳ - جلفا. خوی
- ۴ - جلفا. رضائیه
- ۵ - آستانه ای. تبریز
- ۶ - پهلوی. تهران
- ۷ - مشهد. سر تهران
- ۸ - چالوس. تهران که از ارتفاع ۳۲۰۰ متر میگذرد و مرتفعترین
جاده های شوشه ایران است
- ۹ - عشق آباد. مشهد
- ۱۰ - مشهد. دوشاخ
- ۱۱ - ققهقهه و مشهد و سرخس و جاده قوچان. سبزوار
- ۱۲ - زاهدان - نصیر آباد. بیرجند. مشهد
- ۱۳ - مشهد - سرحد افغانستان تا سرحد قابل عبور کالسکه و کاریست
- ۱۴ - مشهد. تهران
- ۱۵ - زاهدان. کرمان
- ۱۶ - بندر عباس. کرمان
- ۱۷ - بندر عباس. یزد
- ۱۸ - بوشهر. شیراز. اصفهان. طهران
- ۱۹ - خرمشهر. اصفهان
- ۲۰ - بغداد. تهران

با آنکه اسمی قسمتی از شهرهای ایران را که اخیراً تغییر نموده در این کتاب تذکر داده و درین الہالین بنام قدیم و جدید آنها اشاره کرده ایم معهذا برای آنکه خوانندگان بهتر اسمی را بمنظور بسپارند ذیلابذکر اسمی قدیم و جدید هر یک از آنها اشاره میکنیم

اسم جدید	اسم قدیم	اسم جدید	اسم قدیم
شهرکرد	دهکرد	ارومبه	رضانیه
نوشهر	دهنو	استرآباد	گرگان
شاهیور	سلماس	آق قلعه	بهلوی دژ
رامسر	سخت سر	بندر پهلوی	ازلی
مهاباد	ساوجبلاغ مکری	تلخه رود	آجی چای
شاهین دژ	صاینقلعه	دشت میشات	بني طرف
آبادان	عبدان	بستان	بساتین
شاهی	علی آباد	بابل	بارفروش
شادکان	فلوجه	ایرانشهر	بیبور
فهرج (بلوچستان)	داور پناه	کاشمر	ترشیز
قمشه		فردوس	تون
ارسباران	قرچه داغ	زرینه رود	جنتو چای
سیاه چمن	قره چمن	جوی زر	چشمہ دزد
ایذه	مال امیر	هویزه(فتح ۱ و قصر ۲) حسین آباد یشتکوه علام خفاجیه	
مناطق کرمان و بلوچستان وزابل	مکران	سوسن گرد	
منصوره و سهیک یشتکوه	مهران	بندر شاهپور	خور موسی
نصرت آباد(سیستان)	زابل	شهداد	خیص
اهواز	ناصری	Zahedan	دزداب

خاتمه